



بازرسی شد
۳۷ - ۳۷

بازدید شد
۱۳۸۱

بازدید شد
۱۳۴۰

کتابخانه مجلس شورای ملی

اسم کتاب: طبقات رجبیه بک اروپا

مؤلف: سید آقاخان

موضوع تألیف:

۲۴۸۷

شماره: ۲۱۲۲

شماره دفتر:

۱۲۹۳۶

۲۲۸۷

شماره ثبت شده
۲۲۸۷

بازرسی شد
۳۷ - ۳۷

بازدید شد
۱۳۸۱

کتابخانه مجلس شورای ملی

اسم کتاب: طبقات رجبیه بک اروپا

مؤلف: سید آقاخان

موضوع تألیف:

۲۴۸۷

شماره: ۲۱۲۲

شماره دفتر: ۱۲۹۳۶

۲۲۸۷

در شرح مکتب فرانسه و کیفیت آن

لفظ فرانسه مشتق است از فرانس که اسمی از طایفه المانی بوده و فرانس
در لغت آردووی را گویند. این طایفه تقریباً چهارصد سال قبل از هجرت در
مکتب آلمانی کوچ کرده و متوطن گشتند. در حقیقت معروفست فرانسه پس از
تغلبهای بسیار با این قوم مدت درایت سال منقضی گشت تا آنکه مقتدر
گردیدند.
اولین سلطان معروف این مکتب *merovée* بوده و نام
مناصب طایفه اش را *merovingiens* میگویند. این طایفه
تا سنه (۱۲۵) بعد از هجرت سلطنت داشتند و پس از آنها مکتب
بنام *carolingiens* مفتوح گردید. این طایفه قبلاً
آنکه بسلطه رسید در آن مکتب صدارت داشتند و یکی از آنها

شارل

شارل دتر *Charles - martel* بود در سال ۹۵ هجری
تا (۱۲۴) صدارت میکرد و در جنگ بزرگ که در جنوب فرانسه واقع
شد اعراب را شکست داد.
le bref - پسر پادشاه پسند کار لوئیگی بوده پسر پادشاه رمان
Charlemagne بود یعنی شارل کبیر که از ۱۵۱۲ هجری تا (۱۹۹) سلطنت
سیرانه و در سال (۱۸۳) لقب بر امپراطور روم و المانی شد
[امپراطور یعنی شاهنشاه. این لقب در زمان قدیم منحصر بکی بوده و هیچکس پادشاه
بر علیه امور مذهبی ریاست داشت. امپراطور هم در تمام امور عریضه تحکم
نمیداد. ازین تاریخ بعد این لقب بدو نفر تقلید گرفت
یکی در مغرب اروپا بود که تا سال (۱۲۲۱) از سلطان المانی و آفریش
بود و دیگر در مشرق که در اسلامیه وقت داشت تا در سال (۸۸۵) هجری
در عثمانیه امپراتور شد و از آنهم ضمیمه کرد.]
شارل مان اول کسی بود که مکتب را بولایت جزیره منت نمود و بهر ولایت
خاکمی نامور کرد و جزو عظیم خاک آلمانی و فرانسه و ایتالیا را بمطبع تصرف نمود

و مدارس بسیار بنا نهاد و فرقه کس را بهت پرست بود بدین مکتب عیسوی
در آردو و کشیشها و بجهت و فرستاد و کلیسا بنا کرد. در سال ۱۹۹ هجری
وفات یافت و در آنس لاشین مدفون شد *la chapel*
چون شارلمان در گذشت پسرش لوئی اتر تخت نشست و مدت شش سال
سال سلطنت کرد و در آن زمان بسبب بغلیگی امراء و حدوت طایفه نژاد
ضعف مکتب سلطنت دار و در سال ۲۴۶ وفات یافت پسر او
سر پسرش مکتب را به سهمت کردند این فتره بیشتر اسباب تقویت
بغلیگان و ضعف مکتب گردید.
نژاد از طایفه نژادمان بود که از ولایت شمالی که بنام آند و در
مکتب محال تسلط داشتند و بهر دو طرفه میگردید و تمام مریضیه در مکتب بود
عازت مینمودند تا در زمان شارلمان در مکتب فرانسه شده و بعد از
او سه مرتبه تبار پسر را بنفیه گرفتند و نیز تا چند مکتب المانی و بویس
رفته و تمام مکتبستان را بتصرف در آورده
شارل در ۲۷۱ بخت نشست و بجهت دفع نژادها از سلطان آلمانی یاد

طایفه

طایفه و در جانب واقع نشد و منع گزافه آنها و دود ساکت شده تا آن زمان
اولی فرانسه گشت. بریان آلمانی تحکم مینمودند و از آن پس بریان لاتین مینویست
شده و بریان فرانسه معروف گشت.
و سلطنت شارل سیم لقب هجرت از نژاد مذکور عیسوی را بجهت کرده
و خاک زمانه را از سلطان تیر گرفتند.
بعد از شارل سیم سه نفر دیگر از این مکتب سلطنت کردند و در وقت حمایت
سلطان آلمانی در سلطنت لوئی پنجم لقب تینر بوک کاپیت *capit*
capit یکی از امرای فرانسه بود طایفه بود و سلطان را خارج نموده و
در سال ۳۷۷ فرانسه گشت بوک کاپیت هر پادشاه گشت
کاپیت بود که در ۳۸۱ وفات یافت و در زمان او بوده که آن مکتب
را بفرانسه مسموم گشتند و در این راه فرانسوی گشتند. بعد از وفات او
امراء و سرکردگان اطاعت کرده آغاز سرکشی کردند و در آخر اندک مکتب
سلطان بدین مکتب شد بهر قطع بسیار کوچک. این امراء غیر از
همه قوتی که *Duc de normandy* بود و یکی از

فرانسه
 در کمال زمانه یوم در ۱۵۲۸ میلادی فرانسه را متصرف گردید
 و بهینه در صدد فرانسویان بود و آنها را از دشمنی میکند و در آن زمان بود
 در کورن د کورن
 المانی افکار و در سال ۱۴۲۵ بود و خبر و غلبه شهر پاریس را سوزانیدند
 و سلطنت پچین سلطان این پسر یعنی لوئیس ششم معروف به قطب سلطنت
 فرانسه کی وقت یافت و در سلطنت لوئیس ششم در ۱۵۲۸ تا ۱۵۶۴
 بطور امانیه بواسطه طلاق زوجه اش و بعد بکلیج بهزی جیم پادشاه
 کفیل در آنکه قریب تمام انگلش در صداق او بود از دست رفت
 و از آن زمان بود در سره یونیورسیته پاریس بنا بر معروفین یونیورسیته
 سین متوسط بود و صاحب بیت بهر از فرزند کرد استبدادی خود
 آیر ژو *Alberg-comes* و بنده بانه تش بود و در آن زمان بود
 قلیب جیم که از ۱۵۶۴ تا ۱۶۱۰ سلطنت داشت پادشاه کانی و سیکر
 کردار بود و در آن فرانسه در زمان او ترقی کرده و از بهر یک دهشت پیرای
 بهزی جیم پادشاه کفیل را بر جملت بهر برانجته و باین وسیله در دست

کفیل

فرانسه
 کفیل مسترد و سخت و در راه پادشاه از دست مکرر بود و در سال ۱۵۸۶
 باقیات ریش و پادشاه کفیل به تخریبیت المقدس عازم شده و از ریش را
 در بین راه که از راه خود مر جت نمود و بعضی اهلک و کز از کفیل تصرف
 آورد و در سال ۱۵۸۷ بود و چندین و صغاری بقطر سر دغ و در شهر
 پاریس بنا نهاد و پانصد عدد برج
 چون ریش را از بیت المقدس مر جت نمود و فیج جیم بهر ریش
 آغاز کرد و فرقت در ۱۵۹۰ اسباب ششم جنگ کرد و زمانه ی
 در زمانه *Bretagne* و آنرا *Angou* و تورن
Touraine از تصرف کفیل خارج شد و در جنگ
 کز در ۱۱۰۰ قتل شد و مر جت و در دست کفیل ریش و اسباب مقدار
 و جت بهر دست فرانسه کردید
 لوئیس ششم پیر فیج جیم دست جهاندیش سال بود و ملک را بهین
 ریش ششم قتل نمود و ارشد او دوش لوئیس نهم بود
 لوئیس نهم بهر از دست پیر فیج جیم فرقت شد و بعضی از امرای

فرانسه
 در کمال زمان بود و عاقبت به دست در آن زمانه پادشاه کانی که در
 سال ۱۴۱۶ توکوز *Paulace* را تصرف آورد و پس از آن عازم
 تخریبیت المقدس کردید و دست شش در کار زمینود در تمام این بیت
 امورات سلطنت و دست پادشاه بود و در سال ۱۶۵۲ کفیل صلیح
 و لوئیس تن *aquitaine* سلطان کفیل تمبر در سال ۱۶۰۹
 و باره بهر تخریبیت المقدس رفته در توکوز *unis*
 و فانت بنت و شش در بهر لوئیس مقدس
 و سلطنت فیج جیم در سال ۱۶۰۹ تا ۱۶۴۴ بطور امانیه بهر از عوام
 در فرانسه را بهر پیر کرده و ترتیب بسیار در آن واقعه مفضل از باب کت
 عرب و غیره از شرق زمین مغرب و بنای پاریس بهر در آن زمان شد
 قلیب چهارم معروف بوجه بود ملک ریش از ۱۶۴۴ تا ۱۷۱۴
 بود و وقت کشیشمارا کاسته پاپ را بهر بسخت امر او که کال را
 نیز ضعیف نموده و ادارات مختلف بنا نهاد و او را در پاریس را دایر نمود
 و لیون *Lyon* و فاند *Landre* و بهر از

بهر از

فرانسه
 بهر از او لوئیس دهم فیج جیم و شارل چهارم تهر تب سلطنت کردند
 سلطنت فیج ششم از ۱۷۲۸ تا ۱۷۵۱ بوده و جنگ عظیم با پادشاه
 کفیل و قتل و بهر خط اینکه سلطان کفیل خود بهر لشکر شارل چهارم
 و دعوی سلطنت مکت فرانسه نمود و عاقبت کفیلها فتح کرده جیم در
 بکر و جیم در بر مفضل و جنگ کرسی *Creay* و در سال
 ۱۷۴۷ و قتل و بر تانیه قمر و متصرف کفیل که در آن عصر بود و
 طاعون شدیدی در فرانسه و قتل و چون فیج ششم که فرانسه
Rauphine را استیاع نمود از آن وقت بهر لقب
 و لیبه فرانسه و قن *Rauphin* کت
 ژان کوئن *Jean le bon* تهر فیج ششم بهر تخت نشست
 و دست جهاندیش از ۱۷۵۱ تا ۱۷۶۵ متدد داشت سلطان
 ضعیفی بود و بی خبر در ۱۷۵۷ از پادشاه کفیل ششم جاشی خود مر جت
 کفیل ششم و چون فرانسه را پادشاه مانده بنای غمیکری
 که از او و لیبه فرانسه بهر برای امر او دفع یعنی کری را نموده و با کفیل

فرانسه
 محاربه نمود و چون با انگلیس پیروزگار افتاد و وینده شهر بخروش و
 برتری بود به دولت فتح کرد در این سلطنت جمیع پاریس ۲۸۰
 هزار نفر رسید

شارل ششم عقب بغیر در ۱۲ سالگی بخت نشست چون شش متقی
 بنود زبان سلطنت در دست اعجاز افتاد و بختش زیاده در ملک و قیام
 و سلطان از شاهچه این حوادث حالت بهت پیدا کرد
 و در کج در کوفه پاریس راهی صر نمود هر پاریس از او بگریختن گفتند از
 انگلیسها امداد طلبید و در ۱۸۱۸ از آجین کورت *Ajincourt*
 فراتر نهادند و در سال بعد پاریس را متصرف نموده و بعد از صلح
 قطعه ثانی فرانسه در تصرف آنها باقی ماند

بعد از او شارل نهم لقب بمظفر سلطنت رسید و در آن وقت ژان
 دارک *Jeanne d'arc* و دیگری بود بپسین بهمه پاریس امرا و فرزند
 تحریک دینیه نموده با انگلیس بجنگید و آنها را شکست داد و انگلیسها
 او را شکنجه نموده و در ۱۳۴۴ روزانه شد و کج در کوفه در حال

انگلیسها

فرانسه
 انگلیسها متقی و همسرا بود از این ملک سید با پادشاه فرانسه متحد شده
 و انگلیسها را از خاک فرانسه خارج کردند و فقط جان شهر کالو
Calais و دو سال فرانسه بود بمصرف آنها باقی ماند در این سلطنت
 بود در نظامی ترتیب دادند و قشون حاضر را ب تیره کرد و بجهت خارج
 آنها با قیامت کرائه بر اندک تیره و اداره استغفار نیز در این عصر
 مستقر گردید و در وقت این سلطان دولت فرانسه بسیار قوی بود
 و امرا و باغی بکلی مضمحل و بهمه جهت در نفر ما بین نیست بودند و آنجا که
 نشست یکی در کج در کوفه *Rue de Bourgogne*
 و دیگر کج در کوفه *Comte de Province*
 چون وی یازدهم سلطنت رسید امرا و فرزند آغاز خود سری کردند
 و سلطان با کمال شدت و سختی آنها را تمام کرد و کج در کوفه
 هم در سال ۱۴۱۳ در نانی *nancy* نشست یکی از ارتش
 حوزده بمقتدر کشت و اکثر انگلیسها بمقتدر کشته شدند و یازدهم افتاد
 و در آن زمان نیز طاعون شدید و قحطی سختی در فرانسه و قیام در کج در کوفه و نفر در

فرانسه
 نشد و در کوفه را از دست بر هر مجوز ساز جنگ کرده و در ثانی نیز
 نشست حوزده در این دفعه چهار کرد و اثری و بهر صلح هر تا بکوفه در
 دست او ماند و در سال ۱۴۳۳ عهد نامه با دولت عثمانی منعقد نمود
 و با پادشاه دست در حال در جنگ بود بعد از آن چند سال بهالت صلح
 گذرانده و قشون ۱۲۰۰۰۰ نفر قشون تیره کرده و با انگلیس و آلمانی بانی
 جنگ گذارد و در سال ۱۴۵۱ لشکری عظیم از این جهت تانگوکی
 پاریس آمد و بهر شد صلح نماید و در سال بعد وفات یافت
 و شش جنگهای فرانسه آخر این بود و ایتالیاییان از تصرف فرانسه خارج
 و امپراطور آلمانی خبی قوی و معتبر گردید و در این سلطنت ترقی بسیار
 در صنایع و علوم و شعر و نقاشی و غیره و قیام و تشویق بسیار از ارباب
 عدم و کمال شد و چند باب دیونریطه و عمارت نو در
Charles در پاریس از بنای دولت و در زیر کاترلیک
 خفی متعبد بود در ۱۴۶۲ حاکمی مقرر داشت و با پادشاهان مشیر
 کاترلیک شود و بمقتضای این حکم خفی آنها را ادیت میکردند و بهر صلح

فرانسه
 حوزده پاریس متعبد شدند
 پس از او شارل نهم بخت نشست چون خیا کوچک بود زبان سلطنت
 بمقتدر حوزده پاریس افتاد و در ۱۴۹۰ بر تان را
 بمصرف آورد و بعد با انگلیس و آلمانی صلح کرد و در سال ۱۴۹۰ پاریس
 متصرف کرد و باین سبب آلمانی و آلمانی و در یک محسن دفع او با یکدیگر ملحق
 شدند چون چنین دیدند لا بد از پاریس از دست داد و بعد از آن وقت شد
 و تان حوزده پاریس از دست بر تخت نشست و تان سال ۱۴۹۱ سلطنت کرد در
 تمام آئین دست با آلمانی و انگلیس و در یک و در یک و آلمانی جنگ شد
 کاترلیک شد و کاترلیک

پس از او سلطنت به فرانسه آگنی *Thames I* متعبد شد
 و پاریس بانی جنگ گذارد و آنها را شکست داد و در دست پنج سال
 با امپراطور آلمانی که بر آلمانی هم سلطنت داشت و انگلیس جنگید و در
 ۱۴۹۳ صلح نامه داد و منعقد شد و در اقصای این قلمرو کج در کوفه و نفر
 و میدان عیاسی در صحن فرانسه مضمحل شود و بعد از آن صلح راجع

فرانسه

از آنها را سوراخ کردند

چون هنری دهم بخت نشت زمان سلطنتش در دست زوجه اش دین
 دیاگنه Diane de Patenay فتنه بیت سال از او بزرگتر بود
 با کس L'Escluse محبته در سال ۹۵۹ شهر قز Metz
 را از او بهر طرد گرفت و در خیال بعد از دست اسپانیه بخت خود
 و بعد بهر لایه calais را از انگلیس گرفت و سال ۹۶۰

فرانسه

الکانه و اسپانیه و آنرا در دست یک سلطان بود از آنکه به بعد
 مخبرنی شد و اینهم خیا میفید بود بجل فرانسه
 فرانوا دهم دست و پیش یک سال بود و در آن سال بر منایت
 و مسامت برستان دکاتولیک افزوده شد
 پس از او دل نهم سلطنت رسید چون ظفر بود و درش کاترین
 در بیسی Catherine de medice بیات از جانب او
 حکومت میکرد و آتیه برستانها میر بود و در ۹۷۰ مقرر نمود

فرانسه

فرانسه

در آن فرقه برستان دکاتولیک میبختند و عا ائوی یک شتم
 رفتار شود فرقه دکاتولیک از این فرقه میبختند به برستانها دست
 میکنند و اسباب بختش شده باین لحاظ خود پادشاه دکاتولیک متفق
 شده و برستانها را به اسم نوگر فوت Huguenots
 مشهور بکنند صد میزدند تا آنکه یازده هزار نفر برستان از آنکه
 یک یک به مذبحهای خود آمدند و پس از جنگهای متعدد و کشتار زیاد
 صلح کردند و در ۹۲۱ نیز مجرده اصلی منعقد شد و مقرر گردید دکاتولیک
 و برستان به تعادلت باشند و له کاترین پسر خود را تحریک نمود
 تا قزای قز برستانها را اضمی نمود و در سال ۹۸۰ در شب ۳۰۰۰۰
 نفر آنها را بقتل رسانیدند و آن شب معروف به شب ماسا کره شد
 و مسامت باطلی Massacre de la nuit de St-Barthelemy
 و در آن شب برستانها را اضمی نمود و در سال ۹۸۸ مقرر نمود
 و در سال ۹۸۸ مقرر نمود

فرانسه

حکومت فرانسه واقع شده بود و مبلغ دوازده کورمان و بعد نقد در
 خزانه دولت موجود بود
 بعد از او لوی سیزدهم و پسن بیست سال بود بخت نشت
 برستانها بواسطه ظلم حکام یاغی شدند و محض صلح بررات
 در ۱۰۳۳ عمر صدر است را لکار دیکل ریشیو Cardinal
 Richelieu مقرر شدند و او دست به پسن سال صدر است
 کرد و از باب کفایت و قیض در آمدت تر قیات بسیار در حکومت
 فرانسه وقتند و آنرا اس elsaee بهجرت فرانسه
 باینه رگشتند و امرای غیر فرانسه دولت اتریش ضعیف نمود و در
 ۱۰۵۳ لوی سیزدهم وفات کرد پس از او لوی چهاردهم
 ظفر بود پسن چهار سال و دهم پسر نهاد زمان سلطنت در دست لکار
 بود و صدر است در عهد و کار دیکل ریشیو Cardinal
 Mazarin بود این مرد در ۱۰۷۲ فوت شد در دست
 صدر است قون منظم مبعری بجهت دولت ترتیب و در دارای کافی

فرانسه

هنری دهم بعد از آنکه بهر بستان بود لند فرقه دکاتولیک فرانسه
 اور قبول کردند و امراد فرانسه یک اسپانیه یاغی شده هنری دهم را
 مجبور نمودند برستانها را بدو قیات کند و در از او لکار دیکل ریشیو
 طیفان نموده و پادشاه فرار کرد و عازم اردوی سوری فرانسه
 Henri de navarre چون محب بود
 او را ولی عهد خود قرار داد و در از او لکار دیکل ریشیو
 هنری در نادر و بعد او بخت نشت و در سوم هنری چهارم
 کشت در اول کشت و پیش یک دکاتولیک و له فریب رعایت
 انیت و حفظ حال ملک خود در سال ۱۰۰۱ بهر بستان دکاتولیک
 در آن جنگ مر قیض شد و در سال بعد باریس آره شتمن صلح بررات
 محمد در در سال ۱۰۰۷ قرار نامه صادر کرد مقرر بود وادی داشت
 Edict de Nantes در بطن آن تمام مذاهب بجا بود فرانسه
 آزاد باشند و در ۱۰۱۹ رادیک Ravallac فنی
 انضرب خنجر اور بقتل رخت و سلطنت دکاتولیک نشت در نهایت

فرانسه

فرانسه
 در روزی که آمد تربت نمود و پس از آن در فرانسه دولت و خیره کرد و کلیت
 بهر دست او دولت فرانسه معتبرترین دول اروپا گردید
 و در چهاردهم اواسط این استبداد و اقتدار یکدهم بسته بود اکثر اوقات
 به دل اسپانی و پهلند و آتریش و انگلیس و پروس و جنگ بود
 و غلبه هم فتح میکرد و در سال ۱۰۹۶ قرارداد نام داشت را بر هم زد
 و بواسطه چهارصد هزار نفر از پادشاهان از خاک فرانسه فرار کردند
 معلوم است این جنگها را با بجزرت یکی کرد و چنانکه بعد از فوت
 سلطان فرانسه ۲۰۰۰۰۰۰ کرد و در فرانسه متعرض بود بعد از ۲۵
 سال سلطنت در ۱۱۲۶ وفات یافت در این عصر ترجمه کلی در علوم
 پیدا شد و انانص معتبر آلمان از او با و لغو اگر نیز *Conseil*
 و غیره *raisons, moliere* بودند و از حکام و وزیر راجی *Racal*
 و ادالبرت *Dalambert*
 نتیجه که چهاردهم مرسوم به لایه پنجم در ۱۲۲۷ سلطنت به چون خواجه
 بود امیر سلطنت در دست فیلیپ اول *Philippe d'orlean*

فرانسه
 بود او هم جنگهای عده نمود با آتریش و انگلیس و پروس
 و پروس و لایه اوقات را بکشت میخورد و جنگ تمام مملکات
 خارجش را تصرف انگلیس در آن وقت جنگی هم بواسطه فردریش
 کبیر پادشاه پروس با آنها در آن وقت در این سلطنت در ۱۸۸۸
 بطور ناگهانی غنایش را از دست داد و در مملکت فرانسه واقعه فتنه در باب
 به نظمی و نظم حکام و خیانت سرایستی هم در آن زمان شروع شد
Socialist برایست فرقه بودند که از باب فتنه
 و حضرت زندگی در صدد برآمدند و آن قرارداد دهند با سلطان و سایر
 امر را متحمل که دارائی مردم را بکشتند و پینه و عیش بودند
 و از آنجه متصفین معروف من و *Voltaire*
 و رولو *Rousseau* و دید *Riderat*
 در کتاب خود حفظ و ضبط کرده اند و خیانت سرایستی خوب وضع
 میشود آن عصر معروف است به فتنه و بیست یکده در این سلطنت
 بعضی از فتنهها بودند در سال ۱۸۸۸ اولی

فرانسه
 ش نزدیم سلطنت رسید آن اوقات توابع انگلیس در امریک یا غنی شده
 و دولت فرانسه بر عتد انگلیس با آنها حمایت کرد و با این واسطه با دولت
 انگلیس در جنگ بود تا ۱۱۹۷ و انعقاد صلح شد و نتیجه این جنگ
 بجهت دولت فرانسه ۲۵۰۰۰ کرد و فرانسه خسارت ثرو و لایه برای
 توابع انگلیس فایده کلی بخشید و با باب استعدال آنها کرد و آماندگی
 امریک منعقد شد و چون در روزی این سلطان به کفایت بودند امر است
 در لایه از خارج و غیر در نهایت به نظمی و غنایش بود و بخت بود در ۱۲۵۳
 او فرانسه یا غنی شدند و اگر پاریس را مرسوم به استعدال تمامه بود
 گرفته خراب کرده و به تجارت مخصوص نه و در روزی
Versailles بود و همه بودند تمام تحفظین و امر کشیک را
 بقدر آهسته و شاه را مجبور نمودند به پاریس باید و قراردادای جدید را
 بعضی نماید و از تقسیم مملکت فرانسه به دایرهای *departments*
 و آزادی تمام مذاب و در ارتش ابرلمان و ضبط موقوفات
 با این تغییر متغیرش را کرد و در ۱۲۰۵ لایه ش تقسیم چهل خود را پاریس

فرانسه
 فرار کرد و لایه در پس راه فرار شد و با پاریس آهسته و با تمام پیک
 نسبت بملکت فرانسه غنایت کرده و آتریش را در آنجا حمله و بکشتن
 نموده و در ۱۰۲۷ او را بقتل آهسته و فتنه ماه بعد از او پاریس را مرسوم
 ماری آنتوانت *Mari Antoinette* و دختر
 ماری ترز *Mari Therese* امپراتریس آتریش
 بود مقتول شدند این مرج و مرج باب فتنه را کرد و با امر
 دولت در دست ثامن مختلف افکار معروف تر آنها دانستن
Danton و پیر *Piche* و *Robespierre*
 و اوقات *marat* بودند و به آنها جندت گیر عمر
 میگذرد و کشیری از نجار و رعایا بقتل رسانید این فتنه ش تا ۱۲۱۰
 و دیر بگذرد *Directaire* است برابره بطور ناگهانی
 در این وقت دول اروپا انگلیس و پهلند و اسپانی و آتریش
 به فرانسه جنگ دادند و آنجا جنگ با ناپولین *Napoleon*
Bonaparte نام و بعد با هم انگلیس تر امپراطور شد

فرانسه

قوتش آرایش را در ایتالیا بست و در سال ۱۲۱۲ صلحی منعقد شد بین
فرانسه و آتریش و معتبر گردید و حکمت بجای مستقر بفرانسه باشد
و جمهوری وندلیک بیک منوخ شود و خاک وندلیک در تصرف آتریش
باشد و بعد نابین عازم مصر شد بعد از آنکه قوت انگلیس را در
مشرق زمین بکاه چون در مصر فایزیه و قوت بحری فرانسه به ۱۲۱۳
در نزدیکی ابوقیر از نابین بهر بحر انگلیس شکست کبی خورد و در ملک بهر
بفرانسه مرجهت نمود و در دروب مشغول جنگ نزد انگلیس و بعضی صدها
بهم قوت اول رئیس جمهوری فرانسه گردید و در آن سال به خطبات
و احسن مشغول گردید و قانون محاکمه در موم است به گونه نابون
Cade de Napoleon ترتیب داد و در آن سال نیز با انگلیس
و آتریش و بعد از آن با آتریش و ایتالیا جنگ نموده آنها را مغلوب
ساخت و بعد از آن بهم جل دروب صلح بسته و در سال ۱۲۱۹ امپراطور
انگلیس در روس و آتریش و روسیه با یکدیگر متحد شدند و بعد از آن فرانسه
بنای جنگ را گذاشت و در آن جنگ ابداء آتریش شکست خورد و صلح نمود

در روز

فرانسه

و بعد از آنکه در ایتالیا تصرف فرانسه افتاد و در ۱۲۲۱ نابین فرانسه لقب
امپراطور شد و در آن زمان با سلطان آتریش بود منوخ نمود و ۹۷۲
از بعد از آنکه شکست داده و از این بابت بزرگ آتریش در روس مجبور
اتفاق کردند و با نابین بنای جنگ گذاشتند ولی بعد از آنکه مغلوب شدند
و در سال ۱۲۲۲ صلحنامه تیزیت بین آن دو ملک بسته
و در سال ۱۲۲۳ با ایتالیا و ابداء دوستی فایزیه *France-Prussia*
را متحد نمود ولی اسپانیولها بیک انگلیس و برادری و بیکون فرانسه
خارج کردند اما نابین ولایت دیگر را باز تصرف در آنکه بود
و این فقرات سبب عداوت و جدت امپراطور روس شد نابین
محض تحقیف و دفع قوت روس در ۱۲۲۷ بهانه اینکه امپراطور
روس مطابق شروط قرارنامه رفقا نموده باشند هزار قوتون بطرف
روسیه خدمت کرد و در جنگ شکست خفتن بود و با هم در آن
بازیر هاندل شهر مکه را تصرف در آنکه بود و در آنکه شهر مکه را آتش زود
و اطراف شهر را بکاه ویران نمود و چون نابین با شکریه به آفریقا

فرانسه

باز مصلحت در مرجهت دید و در این جهت از شدت برای فوق اهل
که همیشه در روسیه واقع می شود قرب تمام کنش متعین شدند و او خود
با مددوی باپرس رسیده اندکی بعد از آنکه کرده مجبوراً باپرس در روس
و آتریش آغاز حرب نهاده بدو دستخ نمود ولی آخر الامر در آنجا
۱۲۲۸ در نزدیکی نیرنیک شکست بزرگی خورد و بفرانسه مرجهت کرد
این نوبت پارلمان او را رد کرده برایت قهر گرفته و مجبوراً استعفا
و جزیره البارا را بجهت عزت خود اختیار کرد و چون نابین بر ابی رفت
لویس بهیم در آنکه سلاطین قدیم بود بر تخت نشست
و ملی سال بعد نابین از ابی مرجهت نمود و قوتون فرانسه از شدت
احتمالی و بدو داشتند گردش را گرفتند و بیات اجتماع خیر
بارس نه و لویس بهیم فرار کرده او بر تخت نشست
بعد بیکصدوی هزار نفر بطرف بیک رفته و با قوت انگلیس و پروس
مبارزه نماید و در جنگ و اطرو *Waterloo* در ۱۲۳۱
و آنکه شکست بزرگی خورد و آن شکست مفارن بود بیکصد روز

بعد از

فرانسه

بعد از مرجهت از ابی پس از آن استعفا نموده خود را بدست انگلیس
تسلیم نمود و آنها او را بجزیره *St. Helene* تبعید کردند و در آنجا
در سال غربی افریق فرستادند و در آنجا بستن ۱۲۳۶ و بچه بود
در تنش گذاشته بود بخت مرگی داشت یافت بزرگ جنگ و طرلو
تسلیم نابین قوت انگلیس و پروس بهم باپرس آمده لویس بهیم را در بره
بر تخت نشاند و او تا به تمام قوتش در سال ۱۲۴۵ بود سلطنت میران
پس از او شارل دهم سلطنت رسید و او بسبب یغمدی
امپراتور فرانسه در ۱۲۴۶ استعفا نمود و امپراتور لویس فیلیپ
Louis Philippe را پادشاهی انتخاب نمود و سلطنت
او آنجی بقوت فرانسه در آنکه او بهم در ۱۲۴۷ بخت طیان می شود
رعایا استعفا نمود و جمهوری در فرانسه پدید آمد و بیات لویس
نابون در چهارم بعد با هم نابین سیم امپراطور شد نابین
پیر نابین پسر بوده و با هم پادشاه روم مشهور است و ملی سلطنت رسیده
و در ۱۲۴۸ در نزدیکی وین بسن بیت و یکایکی فوت شد

در ملک بعد از آنکه بنامین سیم امپراطور شد با دولت انگلیس و عثمانی سخن می گفت
 و در قریب دیکیم با دولت روسی جنگ می زد و پس از جنگ سخن می تندریا با
 پول *Selassyad* را به تصرف درآورد و در بهار ۱۲۷۲
 صلح نمود و با پس منته شد سال بعد بحسب خطه ایطانی با آتریش
 جهال نمود و نتایجی در مقصودش بود بعد از آن در ۱۲۷۶ قوتی
 بطرف چین فرستاد و با تحت چین را متصرف نمود و اینجا هم متصرفش
 محلی شد سال بعد قوتی بظفر بطرف کوئین فرستاد و با آن
 سلبین *Maximilien* برادر امپراطور اتریش امپراطور
 کوئین نمود و با جمهوری فرانسه بعضی تیریات نمودند و بنامین
 قوتی فرانسه را قهرآرا بکوئین فرستاد و در کوئین امپراطور خود را
 متصرفان خستند و در آنجا جمهوری منته شد و سال اوقات هم سعادت
 سلبیت و بعضی فرق دیگر خستش بسیار در دفتر محکمت فرانسه
 واقع بود و با سلب خطر بزرگ بجهت دولت بود تا در سال ۱۲۸۶ میلادی
 بهانه گنی را خلفه الله را که در آنجا متصرفان بودند انتخاب نمودند و با این سلب

نامیوس سیم بارپرس آغاز جنگ نمود و تمام محاکم المانی خیزد از ترس
بارپرس می شد بقوت نامیوس پشت مایه و نامیوس هم بعد از جنگ
Gedan - مجوس شد و سال بعد انگلستان وفات کرد
و پس از جنگ ایران جمهوری سیم فرانسه امده شد و رئیس آن موسیو
تیرس *Miers* بود قوت المانی علاوه بر جنگ ایران در جنگهای
متعدد دیگر هم قوت فرانسه را پشت مایه آخر الامر بارپرس را محصور نموده
و کوله باران نموده متحرک کردند و از قوت فرانسه ۱۱۵۰۰ صاحب منصب
و ۳۲۰۰۰۰ نفر سرباز اسیر کردند و ۲۰۰۰۰ توب هم بجان
آفتند و آن سال ۱۲۱۹ صلحی منعقد شد مابین فرانسه و برطانیان
آنراس و لندن با شهرهای استر از بزرگ و میطر *Melch*
بدولت المانی قتل گرفت و علاوه ده هزار کرد و فرانس هم وجهه مایه
ریاست تیرس تا ۱۲۹۰ اطبر پنجامید و بعد از او مارشال ماکم چون
MacMahon تا ۱۲۹۶ ریاست کرد و پس از او موسیو
گرونی ریاست رسید و آن سال گذشته ریاست داشت

[illegible]

در رئیس عالی موسسه سعدی کار نوشت - M. Sadi -
 Carnot در ستایشک یعنی وضع عالی مختلفه
 مطابق قانون ۲۵ ام فروردیه ۱۲۷۵ مسیحی در مطابق است با ۱۲۹۲
 بجری محاکات در فرانسه در عهد پارلمان است و شتر است
 بر مجلس یک است میزد و پوتو chambre des
 deputies یعنی مجلس و کدی قاعده و دیگر شمر در سنا
 chambre de senat یعنی مجلس
 اعیان دولت یعنی وکلای که از جانب عموم رعایا منتخب میشوند و
 مطابق قانون ۱۲۲ بازار ۷۰۰۰۰ نفر از رعایا باید یک نفر دولت
 منتخب شود و فصد و آنها ۵۱۴ نفر باشد
 اجزای مجلس اعیان باید از دپارتمانها منتخب شود و کامل سید نفیر
 سناتور Senateurs مرجهات ۱۱۱ اند و مجلس متفق
 رئیس جمهور را تعیین میکنند بجهت مدت هفت سال و کمترین است ۵۰
 مدت هفت سال مجدد انتخاب شود و مجلس رئیس جمهور در ششصد

فرانسه

کاتولیک باشند
آیت فرانسه در سال ۷۶۰۰ کرد فرنگ است و قرض دولت فرانسه
۷۲۰۰۰ کرد فرنگ و خارج دیال سال دفر قشون
حاضر کاب ۵۱۴۰۰۰ نفر با ۱۲۳۰۰۰۰ راس اب و کتیر
میوان بهشت کردیم خرمند استعدادهای ۷۰۰۰۰ نفر
۴۱۰۰۰ فروند ۵۲ عددش زده پیش است
در دیال تقریباً سال ۱۷۰۰ کرد فرنگ از امته خارج دفر فرانسه
می شود و سال ۵۰۰ فرنگ از دفر خارج می رود
طرح خط راه آهن کلیم در مکت فرانسه ۵۵۰۰ فرنگ است و
۷۵۰ باب پستانه دارد و دیال گذشته ۳۱۰۰ کرد پکت
حکمر کرده مولانی ۸۰۰۰ باب مکرر دارد و ۵۰۰۰۰۰ نفر
خط مکرر دارد و دیال گذشته ۷۰۰ کرد مطلب مکرر شده
در خاک فرانسه ۵۵۰ عدد معدن آهن است و دیال
سال ده کرد فرنگ از این استخراج می کند و سه معدن شده دارد

بجز فرانسه

فرانسه

بجز از خود فرانسه جس شود و از سال سرب پنج هزار فرنگ
سرب استخراج می شود به تمام هفت هزار فرنگ و جس زربتی
در خاک فرانسه بیش از یک و مرغوبت و میوه جات آنجا نیز فراوان
خاصه انکور در دیال ۱۱۸۰۰ انکور بطری شراب میزند و جس
ایریشم هم بیش از آنست و تقریباً دیال سه هزار فرنگ می بیند
در تمام فرانسه ۱۰ یونیورسیتیه دارد با دوازده هزار طلبه و ۱۵ هزار مدرسه
و مکت خانه بسیزده کرد در شکر و ۱۳۵ هزار مسلم و ده کرد در این
مستقلین بخارج دولت درس می خوانند و بر روی هم دولت فرانسه سال
۱۸۹ کرد فرنگ بجهت تربیت قاضیه می کند و در انگلیت
و احد نقد فرنگ است و بنرخ حاله کیر از دسیصد و پنجاه وینا باشد
و احد وزن کیر کوکرم است یعنی هزار کرم و هر کرم سالست با پنج کوز
و خمس نخود و از این مقدار کیر کوکرم سال می شود ۱۷۰۰ مثقال نیم
و احد طر مطرات و بقدر ۲۰۰ کوکرات است از نوع
توابع فرانسه و خارج اکثر است و در افریقا به تمام بعضی قلوب کیر

بورگونی

با مقصد اینکه در آسیا و اروپا دارد و است بهر بروی پستکزار فرنگ
مربع است ۵۷۰۰۰ کرجیت
در شرح بورگونی *Bourgogne*
چهار صل قبر از هجرت طایفه آلمانیه موسوم به بورگونی از وسط آلمان
بطرف رومخانه *Orhine* رفته با هر روم می کنند و در
۲۱۴ قبر از هجرت از روم در آن گذشته و فرشته در خاک کیر بعد فرانه
موسوم گشت و بندهب عیوی در آنند و نود سال قبر از هجرت دولت
اطاعت می رود و یکی بودند و بعد از شان سلطنت میقتی شده و چندین
به سلطنت میخیز شده یکی در جنوب فرانسه در فوکی لیون بود و پختش
آلان *Arles* در پایتخت جمعی از پختش کاتر شده
و یکی کوچک کیر و آخره بقبر فرانسه فاک و کیر در
و نامه هجرت در طین فرانسه اطاعت داشت و بعد متفر کرده
بسیاری از طایف اطراف را بقبر فرانسه تحفه می فرستاده
و عاقبت فرانسه و آلمان و روس ملحق شده و در ۱۸۲۰ سال در بورگونی

نکته

روس

نکته در جنوب روسی *Nancy* بقبر رنیه
و بعد بورگونی مفت میخیز جز کیر و آخره پختش دولت فرانسه
تلق گرفت

در شرح مکت روس

چند سال قبر از هجرت آفاق جنوبی و غربی روس را طایف سلاو
موقوف بودند و حد و شمال و شرقی را طایف لورانه و متان هجرت
طایف سلاو شهر ناوگراد *Navigrad* و کیر
Kiev را بنیاده و بطور ملک الطایف حکومت
می کردند تا دیال ۲۴۸ هجری طایفه موسوم به روس بریت رود کیر
با هر بردارش از طرف نوید ناگ کیر و آنرا متصرف شدند و انگلیت
بمناسبت آنها برهیه معروف گشت و کیر پس از فوت
بر بردارش تان حرد سلطنت کرد و در زمان او اکثر روسها بنده
عیوی و رگنده پس از او سلطنت بهریش ایگد *Igor* رسید
و چون سنش متفتی نبود زمان دولت بهت الگ

روس

نامی بود در سال ۱۶۹۹ هزار و دویست و شصت و شش عازم تبریز شدند که
د امپراطور به جهت اضران اوبسح کزانی تسلیم نمود و سینه اگر در ۳۰
طرف به تبریز رفتند آنرا محصور نمود و لیکن مدت حوزده مرتبه رفت
و شال به تبریز آمد و هزار و دویست و شصت عازم تبریز شدند این دفعه نیز
پس از مدتی گرفته مرتبه رفت و چون به تبریز رسید در صدد بود بر
ایات تبریز این سبب بفرستد

بعد از مدت چند روز نیا تا از جانب پیرش برپای تو سلاو
Svastolav حکومت میکرد و چون این پیرش
قربش را مکتب را بدست گرفت و دانش به تبریز رفت و به تبریز رسید
و خود در دست پیرش بود چند روز بعد از آنکه تبریز را تصرف
در آنوقت و به حکم مرتبه رفت درین حین سالی از آنکه در
نام تبریز رسید پس از مدتی پیرش به تبریز رسید
بشال با یکدیگر در جنگ بودند و لا و میر Vladimir
نام آنها را داشته و در آنوقت در آنوقت که پیرش

در تبریز

روس

در میان ابراهیم رسانیدند تا در ۲۷۸ به تبریز رسید و تمام قباایل را
خراب کرد و در زمان او بود که آتشی در تبریز زدند و پیرش
Svastolav هم در دست او نماند و تبریز را
و در مدتی پس از او به تبریز آمد و در آنوقت که تبریز را
آخر از پیرش یارسلو Yaroslav غلب آمد و به تبریز رسید
و در سال ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ به تبریز رسید و در آنوقت که
قیمی راه شریک بود این پیرش را Diatolav
از تبریز تصرف نمود و باقی را پنج برادر دیگر و در سال ۴۶۲
این پیرش در تبریز آمد و در آنوقت که تبریز را
برادر او که پیرش در تبریز بود و در آنوقت که تبریز را
در این وقت که تبریز را و در آنوقت که تبریز را
رویه در تبریز و در آنوقت که تبریز را
Diatopolk و در آنوقت که تبریز را
بعضی از امراء باقی شدند و در آنوقت که تبریز را

روس

و شنگ Monomakh با هم دیدیم و به تبریز رسیدند
و سلطان سال ۵۱۹ به تبریز رسید
Mstislav ریه در ۵۱۹ تا ۵۳۳ سلطنت را نه و برادر او بود
تا ۵۴۳ تا ۵۴۱ به تبریز رسید
و این پیرش در ۵۴۱ تا ۵۴۹ سلطنت داشت و در زمان او
که با شریک و سوار قزاق در آن زمان بمول شد و پنج ملک برادر او
او مکتب روس در دست پنج نفر مختلف بود و اکثر اوقات به تبریز
و تبریز و قباایل پیرش جرج در آنوقت که به تبریز رسید
و استه او را به تبریز به تبریز بود و توانست سال مکتب روس را
که اری پیرش از وقت او مکتب داشت و در قبیله راریش
مستقیم بود و به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
مستقیم به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
رویه مرکزی را به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
با تمام هزار نفر که از خاک رویه و در آنوقت که تبریز را

در تبریز

روس

استه او را به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
مکتب روس از سلطان قباایل اطاعت داشتند و با ولایت می دادند این
و مستقیم است سال برقرار بود و آخر از پیرش به تبریز رسید
که آنها ضعیف شده مکتب به تبریز رسید و قباایل ۳ قازان ۳ قازان
که در آنوقت که تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
شده و از او به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
خود مستقیم کرد و لقب زار (Zar) روس را به تبریز
مستقیم داشت و آنوقت که تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
در سال ۹۱۱ سلطنت او به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
مستقیم بود پس از او در آنوقت که تبریز به تبریز به تبریز
بیت و تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
لقب به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
قازان را به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز
حاجر طغان را به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز به تبریز

روس

نشت حزنه دغال قریم شهرک را بنده مشرف از اصداف زار
 از این آواز با سیری بود قید از ان ایستاد و سیر جنگ داشت
 در این سلطنت پیچیدگی سیر *Сенат* شروع
 این سلطان قانون حاکم را مقرر نمود و کشیک از حقیقی را در مرسوم بود به نظر
 قرار داد و در واقع نظام دولت روس در آنوقت منظم همان بود که
 و نهایت بعضی اندک را به پیش پیش مصارف سلطنت متین نمود
 در زمان او بحال نظم دایمت موجود بود و بهر پیش پیش و چینیگری و واقع
 میشد بحال مجبزه و سخر و غنای بیکر مثلا در نیکی نو که در شصت هزار
 نفر است و دل سخت و آن سبب قتل بر برگرستی و در ۹۹۲ و ۹۹۳
 یافت پس از او فرود آمد *Екатерина* سلطنت
 و چون در گذشت صد و شصت مرسوم به پیرس کودانو - *Коданов*
Коданов سلطان شد در زمان فرود بود و قتل شدیدی
 در روسیه واقع شد و در جنگ سکوک کرد و نفس نف کرد
 چون صد و شصت بر تخت نشست سایر وزراء و اعیان را برادرش بود

اعزاز

روس

اعزاز چنگیزی که از او شد و در این سلطنت شخصی پیدا شد و اظهار داشت
 فرخ پیر سلطان که شصت و پنجم و بعد از او ایستاد و پیرس کودانو را
 با پیرش بقدر رسانیده خود سلطان شد و پس از چندی دیگر اعیان
 و وزراء را در آن گیر گشتند پس از او یکی از اعیان مدت چهار سال حکومت
 کرد و سایر اعیان برادرش شد و بعد از او اعیان و اهل طایفه او را بر تخت کردند
 بعد از او سال متوالی هرج و مرج بود تا سال ۱۰۲۲ و بعد از او
 فرخ *Михаилъ Леодоровичъ Романовъ*
 ایستاد و در آنجا که روس خارج کرد خود پادشاه شد
 و سلطان خلیه از احتیاج دولت رفاهیت دایمت در سلطنت
 واقع شد و با سیر و اعیان صلح و منفعت کرد و پس از او پیرس
 الکسین *Alexis* سلطنت رسید و مدت با ایستاد و سیر
 جنگ دایمت تا سال ۱۰۷۲ صلح نمود و تا آنکه نظام روس
 منظم بود بهر قدری در مرگ بود و هر چه از آنکه اکثرشان بود و بعد
 از این سلطان برادره قزاق و سایر نظام هم ترتیب داد و از

روس

صاحبان خارج بهر امانت و قاطعیت
 چون الکسین در گذشت پیرش فرخ در دست نشاند سلطان کرد
 و بهر جهت از او بود و دایمت یکی از آنها بطوریکه سلطان رسید
 چون ده سال بود که *Сопкин* خواهرش را بگرفتند
 بدست گرفت و با صدارت پیرس *Салтисин*
 - امورات را منظم میکرد این خواهر با دست شاف و جنگ
 و ده از عدم یافت و کفایت سرورش منسوب از سال ۱۱۰۰
 و بطوریکه شش مقتضی شد به خواهرش را خلع کرد و خود مستعد سلطان
 شد و فراموش کرد و در قیامت دولت روس در صدر است
 و ابر مریدی بسبب پیدا کند لهذا بطرف جنوب سیر کرد و خلیج
 در آن را به تصرف بهد نیزه گن *Таганрогъ*
 و حال آن بنا نهاد و بعضی تره تمدن و بساط بعضی نکات
 است در حال بطرف جل فرنگ مافرت نمود و در جنوب فرات
 از نیکی سیر فرنی مطلق شد و بعد از آنکه اعیان را بقدر رسانید

روال

روس

در ۱۱۱۱ با ایستاد محلی شد با شارل هارویم پادشاه ویر جنگ نمود
 چهار سال بعد بطوریکه روم را بنام نهاد و قتل شد و بهر جهت است و بعضی از آنها
 و بعد از جنگ با یک رانیز از دست فرخ کرد جنگ با سیر خلیج
 بطوریکه رسید و شافو هم بیک سیر آمده و بطوریکه شست و ده در این
 شارل هارویم فوت شد و بطوریکه ظریف و ملک و بعد از جنگ
 را در تصرف کرده بود و دست او داد در ۱۱۳۲ و با سلطنت
 تا از آنها سلطنت سلاطین صفویه در ایران منقرض شد و در شش سال
 تمام ایران بود جهان سلطنت هم بطوریکه با ایران آغاز جنگ نهاد و بعد
 و از زمان و استر آقا را به تصرف در آورد و در ۱۱۳۷ و دایمت یافت
 چون بهر سال قبر پیرش را مقول ساخته بود و ادبیات
 سلطنت برده و لای *Catherine* و بعد از جنگ
 بیک برش *P. Menche-Kapf*
 بر تخت نشست و مدت سال سلطنت کرد و بعد از او فرخ
 مرسوم به بطوریکه مدت سال سلطنت کرد و بهر جهت را پیر

روزنامه و در سال ۱۱۴۳ هجری خورشیدی خواست خود هر پیش و دل گرد گئی

۱. *half mink* + ا. بخت خور و خورد فست
 میرزاده بهرام و سعادت کالیت زین *Galtzin*
 دختر برادر پطر کبیر موسوم به *Anna* بطقت
 رسید و فدا کالیت زین دو گدو که را به پیری فرستاد پس از آن
 چهار سال با عشاق جنگ میکرد و صلح و صدا بدید صدر غلظت
 موسوم به *Biron* میاگر از ایران گرفته بود و بخت
 نکاه داری آنها خارج کرانی نام بود ستود ساخت و در سال ۱۱۵۳
 فست
 اتیان چهارم به جت کین سلطنت کرد
 و الیزابت *Elizabeth* دختر پطر کبیر اورامبوس
 ساخت و خود و بیم بر سر نهاد با نوید و فرد کبیر سلطان بود
 جنگ کرد و یونیورسیته مکرر بنا نهاد و ست جهان درش یازده
 سال بود
 پس از او پطر سیم امپراطور شد و یازده خند
 بعضی از امراء کاترین دریم زوجه اورا تحریک نموده و اورا بخت رسانید

الکائنات

دکتر حسین حسینی خود امپراطور است

چون کاترین جیم در صدد بود که روسیه را یکی از رحل مغفله اروپا
نمایند لهذا تصرف لسمان و ضعف دولت عثمانی را واجب میدانست
در مرتبه پیشانی کارزار نموده و بر نوبت خاک نهایی از آنها را تصرف
در آورد از جمله اخلاق و تمدن و کوچ و کرک و راتصاحب نمود
و حق عبور از دار و افراسیاب خود مستقر داشت و شهر آود را نشان
اود ساخته شد با دولت سوید نیز جنگ کرد و چون در ۱۲۱۱ با
دولت فرانسه آغاز حرب نمود وفات یافت در سلطنت کاترین
جیم دست روسیه به م فرنگ مرتفع رسیده و حکومت را
بر پنج حکومت تقسیم نمود لشکر را منظم کرد و بر عدد قشون افزود
و مدارس و کتبخانه بسیار بنا نهاد و انکس و حکومت را بجا نمود
پس از او پال تر Paul سلطنت رسید و در آنوقت
فریون بر عزیمت مصر شده و جزیره مالتا را تصرف انگلیس
پس از او پال تر Paul سلطنت رسید و در آنوقت
فریون بر عزیمت مصر شده و جزیره مالتا را تصرف انگلیس

در روز دوازدهم و نهم بقدر رسید به اردو که سدر بهر اسیران
و جنگ سابقین عداوت نمود و در ۱۲۲۲ با دست فراموش صلح کرد و
مجلس شری را اجرائش است لغز در روز دوازدهم
و دست سیزدهم جنگ نمود و تمام فتنه را از تصرف او خارج کرد
پس از آن دست عثمانی تحریک بنویسند هر دست شش
باروس مبارک کرد و در دهان فتح کرده قطعه زمین تا ده روز در دست
باروس را از عثمانی نگرفتند و در پایان بود جنگ روس
با ایران با تمام رسید و با کوبه اکثر قفقازیه دست روس افتد و در
اسکال بهم نامیون هر ۱۲۷۰۰۰ و قشون ۱۳۷۲۰۰۰ عراده و توپ
عازم روسیه شد پس از جنگهای متعدد و پیاپی بنام بنویسند
دار و کوشد ولی در سه شهر آتش زده و تمام آخه و کشتن بود از
اطراف تحصیل شود سدوم کرده بنویسند مجبور در مرجهت نزد آن
مرجهت سردی منتقل شد که در قشون روس هم اطراف فرانسویها
محصره کرده کشیری از آنها را بقتل رسانیده و نامیون بهرجهت بنویسند

۱۰۰

روس

بعد از آخرین شت پنجم در ۱۲۳۰ و قسده و شش در پنج
فرانسه مذکور است که سیزدهمین شت به صلح امور و حسن و از
شست مرابطیت و اتمام که داشت امور و داد و آنچه بسیار منظم
و مرتب شده بود و بناهای عظیم از اوقات ماند از هر چه ۲۰۰۰۰ کعبه
مستخرج حجت و چهار دیو نیز سبطه و ابر نمود و سکه روسته را تصحیح
کرد و وضع مالیات و اداره استیفا را منظم نمود و کسب و تجارت را باز
خارج و غیر مملکت کرد قزاق بسیار اعدا شد نمود راههای بسیار
تعمیر کرد و بجوم رعایا اجازه داد که کارخانجات و غیره را بکنند
چون تا آنوقت رخت کارخانجات و غیره منقص بر بنی و تبار و جبار
بود و از باب صنایع را از خاک مملکت آنگاه بپوشید و در میان اوقات
مأمور نمود بجهت کشف ثبات جزایر مخصوصاً بحر منجمد جنوب در ۱۲۴۱
در تین ترک *Constantinople* و بعد از شش بود و بعد قیام

در تین ترک - aganay و فانت بیت
چون گشتن Constantin و هر اندیش بود و جبهه قیام

روسی
 ولیدی استغاکره بود لهذا بسلطنت رسید سندها بعضی از آنها
 نظام مکن کرده در بطریق بیخودی کد کشیده و کشتن را به
 پادشاه میخواستند بیکس هم روسی آنها را مقتدر داشته دفع
 جنگی شد و در سال بعد در سکو تاج گذاری نمود در این محلی
 عباس میرزا ولید مرحوم مغفور خان از این غنث ش منقطع شده بود
 آنرا ضرب نهاد و له سردار روس در قفقازیه بود او را کشتند و در
 پاییز ۱۲۴۳ دهر شهر تبریز شد و در زمستان همان سال در کمان پی
 صحنه منقطع شد و ایراد و سخنان ببلاده میا کرد و نیت
 مصالحه دارند در آن یک نیز جنگی با غنای شد و اندک و بعد آن کد
 در ۱۲۴۶ در استان یاغی شده و بعد از آن غنثش دفع شرارت
 آنها را نموده تمام استان جزو مملکت روس شد
 در ۱۲۵۵ عت پاره خیمات و خطرات در آن لغت شد
 افغانستان در نظر داشت بیکس قوتی بطرف خورده بودند داشت
 و له از باب سختی زمستان شجره خشید در ۱۲۵۵ در

مهرگان

روسی
 مهرگان بغرنده قوتی بهادرت ازین بطرف فرستاد و قوت
 نمود در ۱۲۵۹ در آن غنای شجریک باهمین تیم تویست حرم
 بیت المقدس را از دست کشید روس گرفتار کشیدند که تویک
 فرانسه سپرد و این فقره باب کدورت در این روس و غنای کردید
 و چون در آن غنای در این مورد خواست روس را پذیرفت لهذا
 نابر حاکم را که از آن در دهر غنای نه کشت خورده در آن فرانسه و این
 با غنای غنث شده جنگ کردند در آن ضمن بیکس آمد در ۱۲۷۲
 در آن کد و میرش بکسند در تیم سلطنت رسید و قوت فرانسه و این
 در پاییز همان سال براس دهر را بقرق در آن غنای و قوت روس
 هم قله قارص را از غنای گرفت تا در بهار سال بعد صلح منعقد شد
 و معتبر کردید در قارص بغانی متر و شود و محسور جانات هم در
 روی و انوب آزاد باین و اندک و بعد آن از حمایت در آن روس
 خارج کرد و چیز گذشت و ولایت آمورا ازین گرفت
 در ۱۲۸۲ با شکرانه را از خان خورده گرفت و در سال بعد خان

روسی
 بخار در اندک نمود در ۱۲۸۲ سال ۲۰۰۰۰۰ فرسنگ
 مرتفع خاکیکه از امریک داشت به آن آذوقه و اکو از کد و ملک بدست
 بقرق در آن در آن ضمن هم تمام قفقازیه را منظم نمود
 در ۱۲۹۰ خورده در منقطع کرد در ۱۲۹۳ خورده را منقطع نمود
 در ۱۲۹۴ با در آن غنای جنگ کرد و در آن کمال بطریق نهایی و قوت
 غنای و بغیر مواضع در بهار آنشت با کد و له آخر الله منسوب شده
 و خاک زیادی از تصرف آنها خارج شد و در نزدیکی این
 صلحانه امضا شد و در بهار همان سال قوت روس از خاک غنای از آن
 کردند و از حضور امپراتور اتریش و امپراتور روس
 دیده نموده اگر اندر در تیم بیشتر تر و خیریت
 مملکت خود را در نظر داشت و محض آسایش و رفاه حال عامه کارای
 بزرگ کرده در دهر در بهار ۱۲۷۲ تمام طایفه آزاد کرد و در واقع
 حاکم در رعیت و آن ازین در قده عبودیت بودند در یک رده
 آزاد شدند و نیز بحدی که اینک خارج دولت کمتر شود و ولایت

روسی

روسی
 رعایا تخفیف کند ۲۰۰۰۰۰۰ نفر از عدد نظام کماست ۲۸۰
 که در آن از باب است تخفیف در تمام امور را به
 تقصیرات بوسیله و محسور بود ترخص نمود و در طبرستان و غنای
 کدواف بمقدار زیاد افزود
 چون بغیر مصارف فوق الذکر بجهت لودن جنگ پیش آمد در دهر
 برعت در ولایت بفرایند و عددا مبلغ گران به هم بستانان قرض
 بخوانند این فقرات باب بظهور و سختی مردم گردید و بجهت فقره
 نهایت بانی غنثش را که کردند این فقره چنین مرتبه قده بدک
 بهر اطرار نموده فکر نشد و آخر دهر در بهار ۱۲۹۹ و بطریق بزرگ
 و بابط و بزرگ او را از پا آورده پس از آن از آن در تیم سلطان
 حاکم در ۱۲۹۰ متولد شده بسلطنت رسید و در سال اول سلطنت جنگ
 و بزرگمانی که اخلای داشت به تمام رسید و ترا که با طاعت روس کردند
 در بهار ۱۳۰۰ بهر اطرار در سکو تاج گذاری کرد و ملک بزرگ مرد را
 بقرق در آن در بهار ۱۳۰۳ با این افاض در روس در بجهت

در شرح بولونی در حدود سال ۱۲۰۰
 زمانی که بولونی باستان موسوم است در زمان قدیم سکون
 فرقه از طایفه سلاو بود و به پنج یا شش هزار نفر و این سبب آن بود که
 لهستان گفتند در اواخر پایه چهارم بعضی از این طایفه به سبب عیوی
 در آمدند و رئیس آنها از امپراطور آلمان به تعینت داشت و ابتدا
 جنگهای روس و لهستان در اول پایه پنجم بود و مدت هشت
 سال به بطور دائمی و عاقبت سبب خرابی لهستان گردید بعضی از
 و مدت لهستان بعد از آن بی گرفتند تا در اواخر پایه پنجم این
 لقب ستم است پیدا کرد و تا آن زمان اکثر اهل لهستان بت پرست
 بودند در اواخر پایه هشتم تمام آنها به سبب عیوی شرف شدند
 در همان اوقات هم سلاوین لهستان منقرض گردید و در سیم
 پادشاه مجارستان منقرض گردید و مدت مدید این دو دولت در تحت
 یک سلطان بود تا در اواخر پایه دهم ملک لهستان از خیریت تنزل
 و دولت نجات گرفته و در سیم سال ۲۰ هزار فرسنگ مربع رسید

اینکه

این سلاو نیز منقرض شده و آنها منحلقت در سلطنت راندند و پس
 از آنها برادر پادشاه فرانسه سلطنت کرد و بعد بعضی از امراء و شهبانان
 از خانواده بویوت ریاست کردند و آخر الامر بدو یک رکن منقرض
 و چون او اغلب با جل روس و عثمانی و سویه در جنگ بود
 لهذا اسباب خرابی ضعف این دولت گردید و اکثر اهل کشور
 بت و دیران افکار تحذی بدو از جلیس پیا توکی -
 در سال ۱۱۸۶ میلادی در روس و آتریش
 ملک لهستان را تقسیم نمودند و در ۱۲۰۶ میلادی آنجا را تقسیم نمودند
 پس از آن در لهستان تحریک کوسینز که در ۱۲۰۶ میلادی
 - بنابر طایفه گذارند و به خود محرم و دیگر و مجبور گردید
 و تمام اهل به منسوب شدند بعد از این واقعه ده سال ملک
 لهستان را تقسیم نمودند باین وضع دولت پرست ۲۰ فرسنگ مربع
 داشته بانی با نهر و روسی و دولت آتریش ۸۵۰ فرسنگ
 مربع از خاک آنها را متصرف بانی با نهر و روسی و باقی لهستان

در ۲۲۰۰ فرسنگ مربع بود در دولت روس بانی
 در سنه ۱۲۲۱ میلادی هر دو نفر و روسی لهستان را پادشاه
 رکن و اکثر از نمود و به شش سال بعد از آنجا منقلب از روسیه مر جیت نمود
 لهستان را مجدداً تقسیم کردند و جزو اقلش متصرف روس در آمد
 از آن تاریخ به بعد همیشه اوقات اهل لهستان با انگلی و دشمنی و در
 صد و آزادی و استقلال خود بودند ولی در هیچ موقعی فایده نخبشید
 تا در ۱۲۸۴ تمام لهستان با دست ۲۱۰۰ فرسنگ مربع ۱۵
 کرد و جمعیت بطور قطعی جزو ملک روس شد و تحت استیلا
 و روسی است ۲۵۰ هزار نفر جمعیت
 مناکو در زمان قدیم یکی از قوابل روم بود و در ۳۷۵ میلادی گرگالری
 و از بجای شرقی بودند Genaa منقرض گرفت در پایه پنجم
 ملک آن زمین به پرس منقلب شد و مدت در تحت حمایت
 و پسند بود و چندی هم در تعینت فرانسه بود و چون در ۱۱۴۴
 و کوری در این طایفه بود متصرف و خمر پرس آخری افکار روم

ش فرانسوی Thorigny بود و بعد در دست احتساب اوست
 در ۱۲۶۴ اکبر پادشاه ساردین sandaen اکثر انگلیز
 متصرف در آورد و در ۱۲۷۸ آنجا را تصرف کرده بود و بنابر
 افکار دولت فرانسه منقلب کرد و فرنگ از این باب به پرس
 مناکو تسلیم نمود قتل تمام قلمرو متصرفات بشهر مناکو بختش
 قریب یکفرسخ است ۱۲ هزار نفر جمعیت داشته و اهل به پنجم
 ۱۵۰ نفر است و بجهت کشیک عارت در قلمرو متصرفات پرس
 عالی درل تیم است و چنانچه در مناکو قمارخانه عاتق منصفه است
 و از تمام جل بجهت قمار بانجا میروند از آنجا بت فایده کثافی عاید
 میشود
 مناکو یکی از قوابل روم بود و در ۳۷۵ میلادی گرگالری
 و از بجای شرقی بودند Genaa منقرض گرفت در پایه پنجم
 ملک آن زمین به پرس منقلب شد و مدت در تحت حمایت
 و پسند بود و چندی هم در تعینت فرانسه بود و چون در ۱۱۴۴
 و کوری در این طایفه بود متصرف و خمر پرس آخری افکار روم

خاک قزاق بیرون کرده و خود را در تحت حمایت دولت روس
و نزدیک قزاقان و له دولت غنائی همواره میباش این بود که آنجا را
بصرف خود راکه و باین سبب اغلب با آنها در جنگ بود و دایه
قزاق در ریاست مذمبه هم داشت در سال ۱۲۶۸ پرنس فست
در ریاست خیمه بیکی از کیشها ملکه شد و در پانزده سال روس در این
استقلال قزاق را ارضا نمود و آنقدر در مکر رفت و به استقلال خود ایستاد
پرنس عالیله میگوید قزاق است
تغیبات دولت در دست او و همیشه در کرب است در زیر نظر
نخبر در نیمه تربیت قائم بر سر اخبار است بابت سالانه
۲۰۰ هزار تان دولت روس در هر سال پانصد هزار تان پرنس
میدم دولت آریش در هر سال تا یکصد هزار در دست پانها ملک
نمایه دست دولت ۲۳ فرات مرتب است ۲۴
نزار نظر بحیثیت و آنقدرش مکان تهر و در یکصد جنگ مقرر است
و تمام رعایا را که در صورتیکه غیر از تهر باشند ضرر نوزد و قوت ضرر

را بایش از سن ۱۲ تا ۵۰ سر برافراشته باشد بهنگام فرستادن
خط مقام دارد تبارت عهد پوس است و پرنس و غیره از کمر
آن سستی رتبه میدهند بجهت درک بعضی بولم و شتر است
در شرح آلمانی

خاک آلمانی موسوم است در چند ماه قهر از غربت در دست
طریقت متعدد بود و بعضی در پانچا مانده و خبر تهر رج رفته سلطنت
بر پا نمودند از جمله طریفات آلمانی طایفه فرمت بود و در وقت سلطنت
نموده بودند و بفراسه موسوم شد در سلطنت شارلانی و امپراطور
آخر بود تمام روس طریفات آلمانی نسبت به امپراطور کمال امتحان را
داشتند و تاج امپراطوری در سده شارلانی در کارلونی میبود و بعد
تیم ۱۹۹ بقیانده و در آنجا گوزاد Conrad ملک
فرانکوی عقب امپراطور و تا ۱۶۰۰ سلطنت کرد و در یک سن
هیزی ملک ساس امپراطور و آنرا سده او پنج نفر تا ۱۵۰ سلطنت کردند
و در آن عصر اغلب طریفات آلمانی کثیر است پرت را از دست مله

بند اب میکر شرف شرف و در آلمانی بسیار بناخ و در له میاید از
قبیلستان و مجاریان و دنا ناک از امپراطور آلمانی اطاعت داشتند
و تمام مکت ایالتی بتغی قلمه حسنه آلمانی در دست اهراب
خبر سلطنت آلمانی باین منور سلطان آلمانی بر ایالتی هم سلطنت
داشت و له طایفه امور است این دولت تجوی بود اتصال
ایالتی بر آلمانی سبب افتخار کلی گردید بجهت دولت آلمانی از حیثیت
علوم حسنه یعنی در آن وقت شیخیش در ایالتی بیشتر بود و له
از طرفی هم سبب خیرات کلی گردید بجهت بیکهانه با امپراطور
آلمانی و باب در ایالتی بود واقع شد و چندین ماه بطبر انامید
در سال ۱۱۵ ملک فرگوته همراهم امپراطوری بر سر نهاد
پس او سال ۱۱۹ سلطنت کردند و در آن سال لوپتر هم
Lothaires ملک ساس امپراطور شد و ملک باویر
Bavien از سده گلف Swabia و اتحاد
و له ملک نواب Savane از طایفه پرنس

بند اب میکر شرف شرف و در آلمانی بسیار بناخ و در له میاید از
قبیلستان و مجاریان و دنا ناک از امپراطور آلمانی اطاعت داشتند
و تمام مکت ایالتی بتغی قلمه حسنه آلمانی در دست اهراب
خبر سلطنت آلمانی باین منور سلطان آلمانی بر ایالتی هم سلطنت
داشت و له طایفه امور است این دولت تجوی بود اتصال
ایالتی بر آلمانی سبب افتخار کلی گردید بجهت دولت آلمانی از حیثیت
علوم حسنه یعنی در آن وقت شیخیش در ایالتی بیشتر بود و له
از طرفی هم سبب خیرات کلی گردید بجهت بیکهانه با امپراطور
آلمانی و باب در ایالتی بود واقع شد و چندین ماه بطبر انامید
در سال ۱۱۵ ملک فرگوته همراهم امپراطوری بر سر نهاد
پس او سال ۱۱۹ سلطنت کردند و در آن سال لوپتر هم
Lothaires ملک ساس امپراطور شد و ملک باویر
Bavien از سده گلف Swabia و اتحاد
و له ملک نواب Savane از طایفه پرنس

امپراطور را انتخاب نمایند و بعد از آن آنها هشت نفر شدند و آنها
 به اکثر معروف شدند در سال ۶۷۲ میلادی *Rudolf*
 هکت بنسبرگ *Habsburg* بود امپراطوری
 منتخب شد در ۹۰۰ میلادی *Adolf* در
 خانواده *habsburg* معین گردید و در دست نیکوکاران
 او امپراطوریکه بعد از او آمد به تاج پسرین در ۷۰۸ میلادی
 از خانواده *Lotharing* امپراطور شد
 و تا ۷۱۳ میلادی میراند پس از او در نفع و نفع امپراطور
 بودند یکی فردریک در خانواده آفریش بود دیگر لویی در
 آفریدریک در ۷۳۰ میلادی فوت و لودویگ در ۷۴۸ میلادی
 شارل چهارم از خانواده لودویگ بود تخت نشست و سلطان او
 قانون برلین بود و این هشت نفر که امپراطور میباشند اراده میکنند
 و مقتدر و هر کدام حق نمکزدن داشته باشند و اجزای مجلس شورای
 امپراطور نام باشند و در دست یکدیگر امپراطور مجلس میکنند و

مردت

مردت نمایند *Wenz* برادران نیز
 به امپراطور شد و تا ۱۲۳۰ میلادی که در آن استغفار کرد به هم
 پس از او لیکنر شدند *sigismund* در ۱۴۱۰ میلادی
Brandenburg بود امپراطور شد و برادر بزرگ را که از نواد
 هر فردیک از خانواده بنو بنو بزرگ در خانواده امپراطور عالی است
 و سلطنت این امپراطور جهان پس *Gohardus*
 نامی در نیمه پلور نموده بر صدها پ حرکت میکرد و میر بسیاری در
 که در آن بنای غنایش و یا غنای که داشته در ۱۴۱۰ میلادی
 تاج امپراطوری محمد دانیال که بنسبرگ لقب گرفت و در آنجا بود
 تا سال ۱۴۳۱ از این پس همه پسران امپراطور آلمانی شدند
 و سلطنت *Maximilian* در ۱۴۵۰ میلادی
 ۹۲۵ میلادی فوت خاک آلمانی منقسم بود ۲۵۰ جزیره هر کدام
 سلطان عید داشت و امپراطور آنها را در ده حکومت بزرگ منبرج
 سلطنت شارل پنجم در ۹۲۵ تا ۹۶۳ میلادی

بطور نامیه اسبابه در تخت امپراطور آلمانی در آن وقت نشست
 بنامیه ریاض خاصه از نقطه ای *Martin Luther* و آن وقت
 نام دریات پاپ را قهر داشت در احکام او اعتراض میکرد
 خاصه از تجرد و حضور بدون او و اکثری از سلطین و امرا آلمانی
 پیروی او نموده و اسم بر پستان شایع شد و بعد از آنکه این فتنه
 آرد بر قاره قریه اعتراض میکرد آنها را بر پستان کشید در آن زمان
 به دست عثمانی با قتل زکای بنوین را محصور کرده بجهت دفع آنها
 و از باب تعقیبات منته و بخیر میمونه اسباب جرات کلی
 برادر است آلمانی گردید و با نیجات شارل پنجم استغفار نمود و
 رها شد
 قریه بر پستان متذق قوت گرفته طیان نموده و سلطنت امپراطوری
 بر نزاع بین آنها و کاتولیک شدت پیدا کرده در ۱۰۲۷
 جنگ عظیم بران و جنگ سرانله نمود است در ۱۰۵۷ میلادی
 به در آن جنگ از قدرت و قوت آلمانی گسترده و فتنه در آنجا بر خیزد

امپراطور

به اگر در و اکثر حکام آلمانی بر خیزد و فتنه میکند و بعضی به فتنه
 ملحق شدند و شورش امپراطور لقب از دست رفته فقط امرا و اعیان
 بود و محاکم مجاور با یکدیگر بدست نیکو افتاد و انراست بقدرت
 فرانسه در آن دور پس هم جمهوری مستحق گردید و کلی تمام محاکم بر این
 و منقسم گشت و خواجه در بعضی از موضع محبت خشنود و قریب نصف
 خاک آلمانی از دست رفت در ۱۰۵۷ میلادی جنگ تمام رسید
 صلح منقسم مقرر گردید و امرا آلمانی در دست امپراطور و نظایاتش در
 عهد مجلس بنی اجرای مجلس لغت شد و فتنه و طغان را خفت
 میکنند و در مجلس هم صد نفر پس بنو و شان آنهاست برادران
 بنو و اجزای مجلس پنج ۵۲ نفر از کبار امرا باشند و بجهت اجرای
 میبایستی هر سه مجلس متفق اراده باشند اما بعد از آنکه فتنه این
 مجلس هر یک بر خیزد و فتنه و فتنه و فتنه و فتنه و فتنه و فتنه
 میکنند لهذا کاری از پیش رفت و میدان گفت و در آن زمان
 آلمانی بیک منقسم گردید

در جنگهای طولانی ۵ ساله چهارم پادشاه فرانسه واقع شد باز
حضرت کتی دولت آلمانی وارد آمد و در سال ۱۰۹۲ بم قتل
مغایه سرداری قرامسطی نبردین راهبر بودند و ماهیگیر کشید و با کمال
زحمت و خارج زلف آنها را بیرون کردند و پس از آن در است
پنج سال جنگار متده با دولت مغایه واقع شد و از آن تاریخ بعد چون
دولت آلمانی هر یک بپیر خود رفتار می نمودند که اسیر هر یک صلح
و اگر خواستیم نمود بقیه کافی است و اگر بکنه نامیون پسر در ۱۲۲۱
امپراطور آلمانی را منوخ کرد و در آنکس آلمانی به جزو قیامت شد قسم
اول شانه سلطان شین بود از پسر رگس و با و در تهرک و غیره
و کلیه بسم گفتند اسمیون در آن معروف شد و قسم دوم آرایش بود
و قسم سوم پروس بعضی قطعات نمای از قسم
به در سیرات به ضعیف شد و نامیون به نصرت آنها را بحیطه
تصرف در آورد و در ۱۲۲۲ و نامیون متصالح تمام ملک آلمانی
و اوقات ۲۸ عدد بود مسموم شد به گفتند اسمیون ژرمانیک و متفر

کیده

کرده هر یک از این دول استقلال و مختار باشند مشروط بر اینکه
وضع دشمن عمومی به اتفاق کنند و این وضع برقرار بود تا سال
۱۲۸۳ دولت پروس آرایش را بست و گفتند اسمیون ژرمانیک
برای بهایست پروس دولت آرایش از عدد و آلمانی خارج شد و دول
جنوب آلمانی هم فخری بودند تا در ۱۲۸۷ جنگ فرانسه شروع شد
در آن سال تمام دولت آلمانی غیر از آرایش با هم متحد بودند و در این جنگ
گیوم پسر آرایش پروس را با امپراطری خود تحت نموده و او در بهار
۱۳۰۵ وفات یافت پس از او پسرش فردریک امپراطور شد
و سه ماه بعد فوت شد و در آن زمان پروس اسمیون پسر پروس
در وضع حالیه

مطابق قانون ۱۲۸۸ در تمام دول آلمانی اتحادیت و دایمی نموده
برای ضبط ملک و دولت و آرایش حیت ریاست کلیه از نظام
و حینا و امور پولیسکی با پادشاه پروس است و امپراطور آلمانی
ملقب است و امپراطور جیستار خود می تواند دفاع کند ولی نتواند

نیز در اجزای آخر جنگ یار
پارلمان این ملک متبر است و در پروس و در یکی از پروس ۶۲ نفر جزا
مستند و وکلای ۲۳ دولت آلمانی بنده و در پروس یک ۲۹۷ نفر وکلای
است نه قوتج و در پروس دولت مجتبی است از خرج و جز
اخر یعنی آنچه در تصرف امپراطور است قوتج بهر ارا که مرکز
دست و قوتج و از بعضی خطوط داده این متین کرده اند
هر یک از دول متفرات و قوتج متین بهجه دفع دشمن عمومی بنده
و از این قرار قوتج آلمانی مسکنم صبح ۴۹۲۰۰۰ نفر می شود با
۹۰۰۰۰ رأس اسب ۱۳۰۰۰ عراده توپ و ۱۰۰۰ جنگ متجاوز
از سه گزده نفر می توان خبر نمود با ۳۱۳۰۰۰ رأس اسب و ۳۰۰۰۰
جنگه توپ است و اگر به ۲۵۰۰۰ فرزند زاده پروس است و ۷۱۰
فرزند بخاری و ۶۰۵ عراده توپ و ۱۹۰۰۰ نفر جزا
دست تمام ملک آلمانی ۱۳۲۰۰۰ فرست متبر است ۹۴۰۰۰ گزده
جسیت تبر راجع مطابق قانون جیه ۱۲۸۸ در تمام ملک آلمانی

مارک

مارک است و عادل گزده از متفرات و پروس از این قانون
هر ملک دول متفر خود است تا ارا که از پروس طول و در آن حینا
مستند فرانسه است و این بقیه گفت میکنند و باقی تفصیلات را در
جزو هر دولت ذکر خواهیم کرد ملک پروس
پروس در اصل یک ملک بوده و قوتج شرقی ترین تمام اجزای پروس حالیه
و در سال ۱۱۱۲ تمام سلطنت با هم پروس مسموم گشت و در واقع استقلال
دولت پروس در ۱۲۲۱ بعید شد یعنی آن وقت که امپیر آلمانی با آنها رسید
و باقی از آن تاریخ بعید در وقت امپراطور آلمانی بود و در سلطنت
فردریک یکم پادشاه براندنبرگ در ۱۰۵۰ تا ۱۱۰۰ بطور متبر
اعتباری بهجه دولت پروس پیدا کرد و سلطنت یکم خاک براندنبرگ
۲۰۰ سال در دست خانواده هاینریش گزن بود Hohenzollern
پس از جد امپراطور حالیه و چون صهر و مبد آن طایفه براندنبرگ
بوده متبر آن است و اول شرح آنرا ذکر کنیم
براندنبرگ و قوتج برن در وسط آن واقع است ملک کوچکی بود و

سال سید و پادشاه در تصرف طایفه حاکمیت سلطه بود و در آن سال
 امپراطور بهر اول طایفه سلطه در نزدیکی رود آب گشت و بهر
 آنها را ۵ هزار براند نزدیک بود تصرف در جزه پیر آینه کرد و
 یکس سال مشهور بود و بعد از آنکه معروف گشت صلح به طایفه
 وند Wendes براند نزدیک را تصرف گفت و تا ۵۲۱
 در دست آنها بود و در آن سال آفرینش *Alfred* بنی
 معروف به خرس در جانب امپراطور حاکم مزرعه شده و او طایفه خراسا
 بیرون کرده و نسبت بولی نموده خود را حکم سک بود یعنی شده و حاکم
 براند نزدیک را مستقر گشت

در سلطنت متجدد در ۳۰ تا ۱۷۰ بطور انبساط و تحکیم گشته
 و پسر *Seamus* پدر برین بنابر و سال بعد قرینه آن بر کن گشته
 و در ۲۰۷۲ اینده در راه مصر کرده و هر دو را برین نامیده این سید
 در ۷۱۹ متفرق گردید و بعد از پنج سال جنگ و فتنه پسر امپراطور
 لوی از خانه فرارده با ویر براند نزدیک را به پسر خود واکه از خود

در سلطنت

در سلطنت این سید از بابت عدم دلیلت حکم و قطع طرق بسیار
 درج درج بود و در آنجا بجهت خارج خود اکثر اهل آن را فرستاده و در آنجا
 در سال ۷۷۵ در آنجا چهارم امپراطور بود و حکومت براند نزدیک یافته
 لوی را بهر حکم تقویت گرفت

پسر آن را چهارم براند نزدیک را در سال ۷۹۱ بهر زبان مرادی
Manassas کرده و او نیز نموده نیز بهر زبان تقویت
 بعد از چند سال براند نزدیک سید حکومت براند نزدیک را به فردیک
 ششم از خانه فرارده بهر نزد لوی این خانه حاکمیت قیم است
 و معتبر و امپراطور حاکم از این سید است و بعد از آنکه این اسم
 از آن است و یکی از اجدادش از سید و درای معروف شارلمان بهر
 و بهر لایحه بهرین زولون را در سال ۳۱۴ در نزدیکی رود دانوب
 نهاده بود واکه از خود داد و در سال ۸۱۸ پسر براند نزدیک شده
 و سلطنت حجاب او امپراطور را بهر لایحه شتر از طایفه باز داشتند و در
 رفته حکومت منظم گردید و اهل کی به در کرد و بهرین آوردند در ۹۱۲

پروسیه

در ۹۴۶ این سید بهرین برتاق در آنجا در ۹۷۲ خاک
 برین در آنجا اهل لسان بود و پسر این طایفه
 در سال ۱۰۲۸ بهرین سید پسر براند نزدیک و پسر حکم برین
 بهرین خود در آنجا بود حکم برین و در آنجا بهرین در ۱۰۲۸
 تا ۱۰۵۸ بطور انبساط و تحکیم گشته و در آنجا بهرین در آنجا
 و در آنجا بهرین سال از آنجا جنگ فردیک گلیوم هر برتاق
 گشت و در واقع این است که برین اول سلطان بود و آب عیار
 و افشارت پسر برین گشت و در آنجا بود بهرین براند نزدیک و پسر براند
 و براند نزدیک و پسر براند و بعضی اهل آنجا متفرق و در آنجا
 و بعضی سید این اهل متفرق را مشغول سیدین براند نزدیک
 بهرین این بود و در آنجا واقع باین آنها را نیز بهرین در آنجا
 در سلطنت او در آنجا بهرین سال بطور انبساط در امور حکومت
 و تجارت و ترابری و آتش قذرات زایل داشت کرد و بعد قتل را

نظم نموده

پروسیه

نظم نموده و پادشاه و در آنجا و در آنجا بهرین و فرانس و است
 کردید و قتل او بریکای ترجیح و تقدم دارد در ۱۰۷۱ خاک
 برین در آنجا متفرق و در آنجا و در آنجا بهرین سید یکی از اهل
 خانه فرارده براند نزدیک محبوب شده و چون فردیک گلیوم هر
 ۱۰۹۹ وفات یافت و در آنجا گشت و در آنجا ۱۰۵۰ فردیک متفرق بود
 و در آنجا بهرین داشت و در آنجا بهرین حکم فردیک سید و در آنجا
 و در آنجا بهرین سلطان پروسیه لقب برود *Rai*
 شد و در سال ۱۱۱۲ بهرین سید براند نزدیک پسر براند نزدیک
 و امپراطور آلمانی این سید را اجازه داد و مشروط بر اینکه در آنجا
 قتل برای ملک او بهرین در آنجا بهرین سید براند نزدیک
 برین داشت و در آنجا بهرین سید بهرین
 در سال ۱۱۲۵ فردیک گلیوم هر براند نزدیک پسر شد و هر کارش
 این بود و بعد از آنکه است از خارج زیادی در آنجا پسر پیدا شده بود
 و ایل است و نظم نموده و بعد قتل فرارده و وزارت خلیه دایه در

است خود گرفت و در جنگ هم گرفت و قتلش بر سر مرگ بود از
۳۰۰۰ نفر بکشد ۸۰۰۰ نفر کشته شد و قتلش بر سر مرگ بود از
پس از در فرزندش در جنگ کشته شد و قتلش بر سر مرگ بود از
چون او بسلطنت رسید و دست خاکی بر سر ۳۰۰۰ نفر بکشد
و پنج کرد و حبسیت و از فرزندانش دست خاکی بر سر
کردن را بمبارت قتلش میرسد زیرا که حبسیت را بر این کشته بود
و دست بر سر رایگی از فرزندانش کشته شد و قتلش بر سر
زادگی کشته شد و قتلش بر سر

۶ آرتیس کرد و در ۱۱۵۸ سیزدهی را
بصرف در آورد و بعد از آن در ۱۱۵۸
بر آرتیس اطیش بختال اینکه سیزدهی را پس گیرد در ۱۱۶۹
بر سر آغاز جنگ نهاد ابتدا نهاد بود بعد بر سر فرزند و کشته
و لهستان در کس و محاکمه حسن به آنگلی کشته شد و فرزندش کشته شد
کشته و جنگ بر این مردم بختال کشته شد در ۱۱۷۲ کشته شد

چنگیزی مستعد واقع شد و با وجود آنکه فردریش کبر استعدادهای
 کبر بود مهربان در اکثر آن چنگیزی فتح کرد و با وجود این هم بغیر شکست جدید
 در این جنگ بود باقی ماند و در برابر آن از حسن اتفاق در سال ۱۱۷۵ این فرات
 بهر آریس روس و از دشمنان قوی بود فوت شد و پس از او پطرم پتر بنیشت
 نشست و از کمال آنکه در این راه را بخود رسید و این لحاظ با او صلح کرد
 و حدود ۲۰۰۰ نفر جمعیت هم بکلیک او فرستاد میر چون چنین بود و این کلمه
 فردریش بخت و کارش در این هم و بعد از این فرات بهر آریس روس شد
 با فردریش کبر و در زنده و در این صورت فردریش می توانست در دست
 دفع فرات و آریس را به خنجر و کمال تبر بکشد و در نشست مهر و در سال
 ۱۱۷۶ آخرین صلح منتهی شد که در این جنگ که در نظر معتدل شد
 و با فردریش کبر و در این راه را یکی از دل زحل معتدل شد و میزدی را هم
 گفتند است و در این راه را یکی از دل زحل معتدل شد و میزدی را هم
 از نستان هم جز در این راه را یکی از دل زحل معتدل شد و میزدی را هم
 کبر به ۵۰۰۰ نفر جمعیت رسید بود و ۱۲ که در جمعیت بقایت

ملک ۳ کورقان بود و در سنه ۵۸۱ کورقان خیره و در تمام
ملکت راهبها را حذب و قزاقان را از راهبها کرد و ۱۰۰۰ قریه
جیدر بنا نهاد و کارخانه قدزیر و کارخانه نری و جنبه باغ و دایر نمود
تس از فرود یک کیلوم ۵ تم بر تخت نشست و در روز دهم سلطان
کرد این سلطان ضعیف بود و قاتل و عیاش و تبه و جنبه تهمید
زیر بر جای و در میان آورد و جنگ با جمهوری فرانسه است که از باب عدم
ایقت سردارانش نتیجه بخشید در سال ۱۲۶۲ مطابق عهد نامه
جزایر از ملکت لهستان بویست ۱۷۰۰ فرسنگ مربع با ۵ کور و قریه
جزایر بر سر نه و در وقت این سلطان دست بر سر ۵۰۰ فرسنگ
مربع رسیده بود ۱۷۱۰ کور و قریه را بهر خزانه یکجا تمام شده و عده کثرت
بنا کرد و قزاقان مقروض بود و قزاقان هم خراب و دله
در سال ۱۲۶۲ فرود یک کیلوم ۵ تم بر تخت نشست و در روز دهم سلطان
صفیات حمیده و عاری از علم سلطنت و یکجا از بر یکجا خارج و در آنجا
بر سلط اکثر درازی او هم میر فاطمه بنون عمر میگردید و چون بهر بر سر نام

کم بود شروع کردند بفتح بول کاغذی
 در ۱۲۲۱ پس دولت برپس و نابین نجیب و احمد و چون قوتان برپس
 میسر دیگر ره و تمام صاحب منصب بر و زلزار افتادند انبلیول اورا نکشت
 سخی و اکثر قتلیات برپس را بطریق تصرف و لکشم و برین هم به است
 فرود نیاید افتاد و درازی برپس نسبت بنابین اطاعت داشتند ولی پناه
 برپس فرود کرده و دولت روی قوتان بکشت او فرستاد آنها نیز نکشت خورد
 بنابین صلح کرده و تقریباً نصف از خاک برپس بر است فرانسه و مصر آنها
 ره اسبند پس از این تصفیهات سلطان روی و صد و صد و صد حریفان
 برآمده و درازی کافی انتخاب کرده و صاحب منصبی قوتان را تنه کرده و وضع
 ایست را تنظیم نموده باین تیرات متدبجا قوت گرفته تا در ۱۲۲۸
 و فرزند بنار جنگ گذارد و در نیز آن جل ازین و انقیس بابرس
 محسوسه شد و در قوتان جنگ فرموده و نابین و بنابر از انفرصت است
 بعد از جنگهای متعدد و در ۱۲۲۹ و در نیکو لایب در کشت داشت
 بنابین و لکن و در کنگام نشان عازم مصر شد بابرس نیز در جبهه جنگ

کیر نیز فراموش را منسوب نموده تا ده روز بعد از عید نوروز ۱۲۲۹ خ
برای شکر نامیون نخست استعفا کرده برای وقت و ماه بعد بخیر
از این امر محبت نمود و مدت بیست و یک روز در کرب و زحمت و فراق و غم
بپردازی بوجوه *Polstehen* بجهت دفع نامیون فرستاد و چهارده
در جنگ و آزار و *Waterloo* در جنگ بمیل و جنگ بکلیس
قرن فرانس را مضطر نمود و در این زمان ۱۲۳۰ صلیبی بنقشه در و در این
هم این حال بروس و آرتش روس مساعد و فنی تجار دقت میسر کردید
و در یک قریب بروس بهر نزد سلطان کیر خبر بگفت و اسمیل در این
شده بود برای آرتش و از این پس پادشاه بروس تحقیقات و جنگ
بخواست و بعد چه که در دو نیم از غیر از محاسبات بجهت مصارف خود
مخطوط داشت و باقی برای این قریب است متوجه نمود
و در ۱۲۳۶ ایست مدت بروس ۵۲ که در قتل رسیده بود
و در متعبر ۱۹۲ که در قتل هم است متوجه بود و در این سلسله هم
و در مدت آرتش عده متفرک کرد و در این بسیار با شکر پس از وقت

پادشاه
فریدون گلیگیم جم ۱۲۵۰ فریدون گلیگیم چهارم سلطان رسید
برایکه یلگیری در سال ۱۲۶۵ واقع شد. محمود بن یقینیه و در دولت
و انقلاط محسن باریدن. حکومت لقب امپراطری را با او بدوید
قبیل کرد. و در حال سلطنت و انارک خلیه کرد و در همین
Holstein یکی از نصیحت و انارک بود و تصرف
و در آرد و تسخیر و فت این سلطان در ۱۲۶۷ حادث شد که کل
امیت و رفاهیت و ملک واقع بود و در قوتش پادشاه ترانجی بسیار رفاه
پس از او گلیگیم تتر را در این سلطان نه سبب خفتش و او را در این
و نادر حاجتیکه با و انارک داشته در ۱۲۸۱ آتش و در این اتفاق که
و انارک شتر و و انارک را منسوب رفته و در این شتر
جزر المانی شد در سمت حمایت آتش و در این آتش
شکست شد و در این آتش و برای طرفین شکست پس نیز از
چنین مصیبت دید و در آستان ۱۲۸۳ با دولت آتش جنگ کند و حال
ایطالی با پادشاه محلی شده بود و لهذا دولت آتش محمود بن یقینیه که استعداد

خدا بدو عزت کند حقیر اطراف جنب شود باز و قیامت
 نام و یاد و دمس و بغیر و احسن به کبر و اطرافش حق نشد
 باشد بدو بر دلش قوتن خود و هر خاک آتش کبر و لی آتشها
 و طرف جنب قوتن آتیه را گشت ماند آتیه چه حال برادر چهره
 حکمت فکر بر آتش آراستد بر نمودن و حسن جنب این اثره
 آتش خاک ذریع را با لیلی تعیم نمود و حق خدا از آب بزرگ
 برست بقیع بر دمس و اگر از نمود ۲۱ کرد و قات از آب خاست حکمت
 بر پس که دانستد بزرگ و برستی و افرد و این و افردا
 در حکمت خود گفتد و گفتد همین ذریع ناله را از آب که و از یاد
 بیت کرد و از در کبک بخ کرد از آب چهار کرد و از این دانستد که کرد
 قات بجه خارج جنگ گرفت و بر حکمت بری معتقد و برادر فرست
 سریع افروخته و دست بری بر نام ولی گفتد مقدم شد و از این گفتد
 که آتیه اسبانه در ۱۲۸۷ مسیر داشته که یکی از خاوند برهنه زن را به
 پشاهی خود تحفه کند ولی دست فراتر مانع از این کرد و بان و اسب

بدست
 بدست بدست جنگ غشی شد و شرح آن تاریخ فراموش مذکرات و از آن
 پس پادشاه بدست امیراطرف کمر آنرا کردید و از آن تاریخ بعد دیگر جنگ
 نهشته و بدست صدر است بزرگ با وجود غنای ثبات و چند
 گفتند ای پادشاه با تو یک و بود و فقرات بریاست کمال تر
 صبر شد
 گوییم حق در بهار ۱۳۰۵ وفات کرده پسر
 فردرکیم پادشاه بدست از دست سلطنت و دست کرده
 او گوییم در ۱۳۲۵ متوکه شده بود بدست سلطان
 از خالصات بدست سال است کرد و آن عاید می شود
 از این مبلغ هفتصد و شصت و پنجاه تان شش مبالغ سلطنت
 و باقی صرف دست می شود و عطا بر آن پادشاه بدست احد شخص
 و در و از آن مبلغ گزافه صبر می شود
 امور دست در دست سلطان است و مجلس دربار و پادشاه در دست
 از در مجلس کی مجلس خاص و دیگر مجلس عام جز از مجلس پادشاه
 باشند و بجا در دست بدست بزرگ و گفتند از پادشاه و از مجلس

[illegible]

در شرح باویر
چونکه قصد بازم باویر مردم است و در ۵۰ سال قبل قبر زنجیر
بر روم تصرف کرده و چند حکمت مردم بر و نهاده ای که بر
Augsburg و اینجور که Regensburg
و اینجور که Passau و آن زمان ساخته و دست سال قبل در
حجرت طایفه زمانه معروف بریده و از آنجا را منحرف نموده و بجانب اقم
توجه

مریبا و

باویر مردم گشت آن طریقت در ازان برایت هر کوفه در
 باویر و ان فراخی و سیه بهر طهر ااطاعت میگردد نیت که کوفه
 باویر هجرت بهین علیوی شرف شند در ۱۸۷۱ مکت باویر مربوط
 شادمان جزه فرادند و منقسم گردید به کیشینار که کجک در ۲۹
 ابر حاکمستان تمام باویر اغارت نموده و با کلب بطور بنامه تا
 لسان از آنجا خارج شند در ۵۳۵۵ شمسی کجک باویر در ۵۷۵
 مسدود و تیر باک و فقه سلطنت مکینه تحت رسیدن و این خانواده
 تهل ۷۲۸ کجک باویر بودند و از ان پس بودیات که کجک
 منقسم گردید و همرواد ۹۱۱ بازمی شند و از ان تاریخ بعد وقت گرفته پنج
 در جنگ بر سر ملک کجک باویر طهر نموده و کجک باویر هم کجی از
 اکثر آشد تقصیر آن در تاریخ اکتان مکرر است پس از ان کجک
 مسدود باطرش داشت و در مرتبه هم سبقت از ان اندک در ۱۲۲۵
 رفته دولت آرش باویر ملک کرده از ان بعد کجک باویر باویر
 باویر و بنامه در ۱۲۳۱ لوی ابر سلطنت ریه و اکثر بنامه

در شهرک
۲۶ هزار مجبت بایست در سال ۸۲ کرد در آن و مبلغ ۹۰۰۰۰۰۰۰۰
در سال بجهت مصارف سلطنت معین شد و قمران به نام صلح ۵۴۰۰۰۰۰۰۰

در شرح و تبرک
در حاکمیه فقهیه و تبرک مردم است طایفه کوفه و عجمیه
سفر داشتند از ۵۵۰ قبر از حیرت هر روم آنگاه تصرف کردند
در ۱۵۰ سال بعد و میان خارج شده و طایفه آنگاه در آنجا متوقف شدند
پس از آن بدینتر منقسم شدند و سی نفر آنرا شکست و کیری بجا آوردند و عجمیه
در ۴۰۰ هجری در این کشت از در تبرک منقسم شدند و در ۱۰۰ هجری
بزرگ شدند و در ۱۲۲۰ هجری در تبرک فرود آمدیم و بدینطریق
بخطاب این شهر نرسیدند و او در ۱۲۳۱ هجری وفات کرد و پس از او
نعمت الله سلطان شد و او در ۱۲۸۱ هجری وفات شد و بعد از او در تبرک
صدر حاکم است

باری و شش نفر در است من آنجه در بار و در کشت بایست در حال
بست کردن قال است و از آن مسن میسر و من و هزاران بجهت مصارف

سبتر و در حین صنایع از دولت در ۱۲۸۴ میراد اوتو
پادشاه و خان شد و چون ولایت اتر را از تارخ نبیه تمام امورات را
بمیر خاظم ضمیمه ناقص مرسومه بدو تفویض تجویز میداشت ۲۰ ب
عقبتش وطنی هم باور کرده و در ۱۲۶۳ قمر استعفا کرده و
انگلیس میانی دریم پادشاه و در ۱۲۸۱ وفات کرد
پس از ولایت دریم سلطنت رسید و در ۱۲۸۳ ولایت باور بقصد برپس
و آرایش می شد و در ۱۲۸۷ بمنافست فرمانه برپس متحد گردید و از آن وقت
تعلق جزو آسیر الگانی است ولایت دریم در ۱۲۰۳ بمیرض حسن خان
منتقل شده خود را بکشت و از برادر اوتو پادشاه و در ولایت مرضی و در
دو امیر سلطنت بدست پرنس ولایت پادشاه در انجمن امورات
دولت در دست شش نفر وزیر و ماربلان است و زوار از این ولایت است
آ وزیر امور خارجه ۲ وزیر عدلیه ۳ وزیر جنگ ۴ وزیر تربیت
۵ وزیر جنگ ۶ وزیر مالیه و است باور ۱۸۴۰ فرانسوی
و صد نفوس زیاده کرد و در دست گردش کار یک است بخت و خیر

44.

ساکسن

سلطنت است و تحت حکومت ۲۷ فرسنگ مربع است با چهار
کودر جمعیت پختن *Stuttgart* و دولت آنجا را کوفن
بیت و شهر از نفوذ جمعیت و قون در وقت این بیت و کوفن از نفوذ

در شرح ساکسن

پنج عدد از هر یک جزو آسیر المانی مندرج است معروف است بتاکسن
هر ساکسن مطلق است و دولت او را پلاش و خطا میکند
کوفن ساکسن و یار است *Weimar* و دولت آنجا را کوفن
میگویند و ساکسن راین جن و *Meiningen*
و ساکسن کوبورگ گوتا *Coburg gotha* و ساکسن ایتن برگ
Altenburg و هر یک در تحت حکومت یک نفر حکم است
این سلسله به از سلسله ساکسن و اصلش از طریقیت ریشه است و
بکون *Hann* و در زمان قیام در شمال آلمان سکن داشته و در این
چهارم قهر از جمعیت با چهار زبان تک تک و فرانسه و انگلیس میرفته
در وقت میگردید و در آن قیام قهر از جمعیت بطایفه انگلیس *Angles*

نویس

ساکسن

مجلس است و خاک انگلیس را تصرف در آورده و آن ملک بمنیت ان
طایفه به انگلیس مرسوم است طایفه انگلیس همیشه در جنگ بوده
و اغلب با طایفه فرانسوی حرب نموده و در زمان کارل و یولی بنز
عیسوی در آن زمان در ۳۰۳ هزار نفر حکم ساکسن امپراطور و تاج
امپراطوری متجاوز از یکصد سال در خانواده او باقی

در ۵۶۶ و مدیت به جای خند منقسم شد و در ۷۷۲ حکم ساکسن مقام
کوفن پیدا کرد و نفوذ از منتخب کنندگان پادشاه آلمان شد
در ۸۸۷ خانواده ساکسن و فرقه تازه فرقه معتبره از پیش *Ernestine*
مردف کنت و فرقه کوفن به آلبرتن *Albertine*
و پادشاهان حاله ساکسن از سلسله آلبرتن است در ۱۲۲۵
حکم ساکسن توسط پائولین پادشاه و سلطان حاله آلبرتن اهر است
امور این دولت در دست پادشاهان است و پیش از این زمانه پادشاه
تایت و مدیت در سال ۲۷ کرد و قان است و یک کوه در این بمصاف
سلطان میرسد و تحت مملکت ۴۶۵ فرسنگ مربع است و پیش

ساکسن

شهر از ده هشتاد قاشق بمصاف حکم میرسد و تحت مدیت به
فرسنگ مربع با مدیت و نفوذ از جمعیت پختن سین جن است
و در ده هزار جمعیت قون در مملکت این نصف فوج نود و پنج آلمان است
ساکسن کوبورگ گوتا قبل ۱۲۴۲ با ساکسن ایتن برگ متحدی بود
و آن پس برادر است صلال منازعه و گفتگو به جز منقسم کرد و حکم
حاله این است *Meissen* و قیام است و چون عجب است
به در وقت از مملکت بر پادشاه آلمان و حکم از بزرگ منقسم خواهد شد
و هر یک انگلیس است و امیر این دولت در عهد پادشاهان است
و هر یک از مملکت کی متعلق به گوتا با ۱۹ هزار و دویست و شصت کیلومتر
بازده نفر هزار قیامت ساینه هر کور است و تحت ۵۲ فرسنگ
مربع با مدیت هزار نفر جمعیت و مضر است به و در کی تکر گوتا با مدیت
به شهر از نفوذ جمعیت و یکی کوبورگ به شهر از نفوذ جمعیت قون
در وقت این نصف فوج است ساکسن ایتن برگ
حکم حاله این از است *Ernest* است و وضع پادشاهان در آن

ساکسن

کودر جمعیت و تحت در دست است *Breide*
با مدیت و با نفوذ جمعیت و قون در وقت این سر و در نفوذ است
ساکسن کوفن در مملکت آن از خلفه رایشن میباشند از این قهر است
ساکسن و یار و مملکتش در سال ۱۰۰۰ حکم متعلق شد و در ۱۲۳۰ کوفن
و کوفن حکم حاله ساکسن است و امور دولت در عهد پادشاهان
و به چهار جمعیت یکمیس دارد با هر یک نفر هزار و سه نفر و یکی در هر صفر
و جمعیت خانه و مذاب و کوفن در زده نفر و خارج و کوفن در زده نفر
تایت در سال هر کور و قیام است و کوفن و تحت هزار قاشق بمصاف
سلطان میرسد و تحت مدیت ۸۶ فرسنگ مربع است ۲۱۵۴
هزار نفر جمعیت با تحت و یار ۲۲ هزار نفر جمعیت و قون مملکت این
یک فوج بلای نظام است و فوج نود و چهارم آلمان با
ساکسن سین جن در سال ۱۰۵۰ در دست حکم بود و حکم حاله
شرح هر یک است و امیر این دولت در دست پادشاهان است و مضر
یک مملکت قیامت بلایه هشتاد و شصت هزار قاشق است و در این

شهر از

شیرکس و دیار است گایت ران ۴۴۰۰۰۰ قالی است ۵
 بهشت هزار قاش بجهت خراج دولت بخت آتین بودک بهر
 هزار نفر جمعیت
 در شرح باد
 خاکه هفتد این اسم مشهور است ۷۰ سال قبل از هجرت برت
 رویان افتاد و بعد بقصر طایفه آنگاه در آن دیس از آن جزو فرانسه
 شد و در آنکه شهرت یافت و اول آنجا بسم حکم معروف بود
 بنسبت اینکه شهر را ملک در هر سال حتم بود عقب از هر زبان با
 و پسند حاله از احقاب اوست در ۱۲۲۰ برخط باخون
 حکمران با عقب برگزیده کثر و گرانه حکم حایه فردک است
 آمد این دولت در دست پارلمان و چهار نفر وزیر است گایت در
 سال ۱۸۷۰ کرد قالی است و در هر خراج سلطنت بصیرت از قالی مقررات
 و تحت این ملک ۲۶۳ فرسنگ مربع است با سه کرد
 و بصیرت از نظر جمعیت و دولت این جمعیت کاتولیک است با تحت
 کار بیرون ۶۳ هزار نفر جمعیت قوی در وقت آنکه کرد و در هر چهاردهم

آنگاه است

آنگاه است شرح مکتب بزرگ
 صدک قبل از هجرت طایفه مد بقصرت آورده خاک را در هر
 این اسم معروف است در زمان شارلمان از پادشاه این فرنگ افغان
 و بخت داشت و بعد بنسب عیسوی در آنکه دیس از آن جزو فرانسه
 و در کس را که آورده و کسبه و نمایان بعد هجرت آب بر خستار کردند
 تا بقصرت کس افتاد و بعد از آنکه در دست و خاک بود در ۶۲
 چهار جزو منقسم کرد و یکی از آن قسمت م مکتب بزرگ معروف است
 در آن این قسمت از احقاب سلطان حایه مکتب بزرگ بودند و در
 این خانواده پیدا شدند در زمان ۲۴۹ و آنکه این دولت به
 حکم عقب شد و در ۱۱۱۲ این دولت به دو قسم یکی ثورین
 Scheuerin و یکی برتیر *Scheuerin* در ۱۲۳۰
 برگزیده حکم عقب شد
 گرانه حکم حایه در قسم است و مکتب بزرگ بزرگ است فردک
 فراوان است وضع این دولت رفعت با برهه و اینه مانده

ادعای قدیمه بقای مانده
 نور و چهار نفر وزیر و تقریباً نصف دولت از ملک شمر گرانه است
 و مسائل بجز در قالی از آنکه عیو و عددا بر بنسب نمود بر از قالی از بخت
 این است بجهت مصارف دولت و منظر است گایت ران ۷۲۰ هزار قالی
 و تحت حکومت ۲۱۷ فرسنگ مربع و جنس آن ملک گرانه است
 و جنس هم ملک امرای و نجابت و بجز از جنس باقی وقت و خبر بجز
 ملک متعلق شهر است بجهت منظر از نظر و صفا آن بلاد است
 و امرای کلیته از هر کس اند بخت ثورین است با منظر از نظر و صفا
 آن دولت هم در هر شهر *Scheuerin* با برگزیده حکم
 حایه فردک گلیلم شهر است در تمام دولت خودکلیت دارد و هم
 جهت یک نفر وزیر دارد و در بخت است و وضع دولت خبر منظم
 و تحت حکومت بهشت فرسنگ مربع است بجهت از نظر جمعیت و
 بخت سرتیر است با در هر از نظر جمعیت از آنکه مکتب بزرگ سرفوج
 بلاد و سرفوج بلاد و چهار بطری و تب در کسبه ضرورت آنکه ملک منظم

در شرح

شرح پس
 پس کی در سال قدیم زمان است و سال ۶۳۸ مریب بود از چین
 ملک در هر یک از جانب امپراطور حاکی بود و در آن ملک تمام این جزای
 بهت بجهت رفعت و بعد جزو منقسم کرد و یکی بجهت عیو و دیگری بجهت عیو
 آنجا هم بعد از آن جزو شد و بجهت آنکه در هر عیو و دولت داشتند
 مملکت کشنده برین در استاد *Darmstadt* و بجهت
 در هر عیو حکومت داشتند معروف کشنده برین کاسر *Cassel*
 در ۱۰۰۴ فرقه تیم از آنکه منتخب است و پس با مکتب عقب
 و آنکه پس کاسر در ۱۲۱۸ اکثر شد و از پس در استاد در ۱۲۲۱ گرانه حکم
 در جنگ بروس با آرایش در ۱۲۸۳ واقع شد دولت بروس پایت
 ضمیل پس کاسر کرد و پس با مکتب هم در آن ملک منقسم بود و
 بقصرت بروس در آنکه و همان پس در استاد با آنکه در آن ملک بجهت
 در چهاردهم است و عیو اولیای تیم بود و اکسیر *Salica* و خبر
 مکتب اکسیر زوجه بود و امیر این است در عهد سرفوج وزیر است با پایت

در صلب در مجلس است بایات سالیانه تخت کرد و تاجان است
 در بیت هزار قانش بجهت مصارف کرده در کتبین است دولت
 این ملک ۱۸۷۰ فرسنگ مربع است با در کوه جعبیت تخت و تخت
 با چهر و سه در نظر در شرح الدنورک Aldenburg
 خاندان این دولت بایر قریم است یکی از اجدادشان ویلی کیسند
 Althelreind بوده در برطانیس کس رایت داشتند و غلب
 با شان رمان جنگ میکرد در ۱۵۲۰ در کریستان بنهت در کنت الدنورک بود
 در مملکت بود و زور و دانا کارک سلطان پیدا کرد در ۱۶۸۸ اوقات
 یافت چون بخت بود سلطان این دولت بیت دانا کارک فخر
 در ۱۸۱۶ پادشاه دانا کارک الدنورک را بایال کرانچ روس و اکران خود
 داد و با خیارا مجبور او خود فرود کرد است از خاندان پادشاه گوترب
 Holdheim-Gottorp داد و در این خاندان باقی بود تا ۱۲۲۵
 در بقدرت با زمین دفا و لی چنانکه بعد سابق عهد نامه مجبور او بماند
 منقرض گردید و بعد در لوبک Luheck و فیصله کرد

در تقریباً ۲۵ فرسنگ مربع است دانت با بنجاه هزار جمعیت خود
 الدنورک شده و والی آنجا بهم برگران در کتبین کرده و کران در کتب
 بطریق است تحقیقات و دانت در دست در نظر وزیر است
 پارلمان در صاحب کیسین است بایات در سال در کوه دوم است
 و چهر و پنجاه قانش بجهت مصارف کران در کتبین است دولت
 ۱۵۰ فرسنگ مربع است ۳۵۰۰ هزار نفر جمعیت و تخت الدنورک
 ۲۰ هزار نفر جمعیت در وقت جنگ کیفج پادشاه یک فوج لوارون
 آلمان ملک سیم در شرح برنویک Brunswick
 ابتدا جزو راس بود تا ۱۶۵۵ در کتب برنویک منقرض گردید پس از آن
 خاندان او در فرشتند یکی در کتب برنویک و دیگری در آندر و تمل
 ۱۸۱۳ سلطنت میکنند در آن ملک دولت برنویک را فرستادند
 برنویکی پس از فوت دولت گلیوم فر ۱۳۱۰ وقت بخت بخت بود
 منقرض گردید و بعد آخرین سلطان با نوره در کتب برنویک منقرض گردید
 برنویک در و چون لومبار است پس از دانت آلمان فیصله کرد

در است پس از خارج کرد و در برنویک پرسش است را - al-
 - best - یکی از شاهان پروس بود بایات دولت خود انتخاب نمود
 و بعد از آن دولت در دست اوست با پادشاه صاحب کیسین است
 در نظر وزیر بایات در سال چهار کرد و تخت ملک ۹۵ فرسنگ
 مربع با چهار صد هزار نفر جمعیت بخت برنویک پادشاه پنجاه نفر جمعیت
 در شرح انحال Anhalt
 خاندان سیم عالیه زسال ۶۰۷ در سلطنت را در آنجا گذاشته
 در ۱۲۳۰ در فرقه خلقت در سلطنت میکنند یکی از آنها لیبنت سیکه
 با بخت بود در ۱۶۰۰ منقرض گردید و فرقه دیگر در ۱۲۸۰ و والی عالیه
 از فرقه سیم است در ۱۶۲۱ انقب بود که در نظر وزیر منقرض است
 بایات آنجا در هر یک در کوه دوم است با بخت ۵۲
 فرسنگ مربع ۲۵۰۰ هزار نفر جمعیت در شرح لک waldede
 پرسش عالیه این دولت شرح و بکرات George Vieta
 و دخترش زوجه پادشاه بود است امور این دولت در دست پادشاه بود

بایات در سال ۱۷۰ هزار نفر است دولت ملک ۲۹ فرسنگ مربع
 ۵۲ هزار نفر جمعیت در شرح لورن
 پرسش عالیه و لورن Woldmar است دولت بیت نیز
 فرسنگ مربع ۱۲۵۰ هزار نفر جمعیت و بایات در سال ۱۷۰ هزار نفر
 در شرح آرنهیم لورن Alace Loran
 این دولت در کتب پروس و فرانسه در ۱۲۸۸ جزو آلمان شد و تعلیمات
 و دانت در عهد حکایت در امپراطور آلمان منتخب میکند بعد در نظر
 وزیر دارد مجلس لورن صاحب پنجاه نفر اجراء است بایات بیانه
 ۱۳ کرد و دوم است دولت لورن ۳۵۰ فرسنگ مربع با در کتب
 تعداد برده بیکه در کتب پنجاه و دانت کوچک در نظر است در طبعین
 برنویک است و جزو آرنهیم لورن بکشد دولت مجبورشان برده ۸۶
 فرسنگ مربع است و چیش ۲۳ هزار نفر در شرح لورن
 Hamburg و برم Bremen و لوبک
 Luheck با بخت ۲۲ فرسنگ مربع جمعیت ۷۲۸ هزار نفر

و تاهل از شهر اراد و مستقل بوده آنها نیز فرد امیر ایالت شد ولایت
آنها ۲۰ کدورتان است مختار رزاحتی آلتان فردوان است و پنج نام
صمد شود و حوفا ز قیر کاد و آب بسیار است و چغندر و صندل و
حناء و قیر و فلفل و اسپند و دودی و سرب و مس و نمک نیز فردوان دارد
و یکصد و پنجاه نفر در آن کشته شده ۱۵۶ کدورتان بود
در آن ۱۳۱۱ دولت آلتان در صد و پانزده اعدا است توابع نام در حسابهای
خارصه و در سبب افریقا و تهرانی و اسیانی و در افریقا تقریباً اکنون ۳۳ هزار
فرسنگ مربع اعدا شده و در سایر مواضع شهرت از فرسنگ مربع و
خارج سال آن توابع پنج هزار تن است دولت آلتان چهار هزار
۳۳۵۵۵۵ فردی کشتی باور دارد ۲۰۰۰ فردی بیهوشی و شرح بیهوشی و زور
این در مملکت فخر در تحت کی سلطنت است و تاهل ۱۲۶۹ هزار
بوده و تاریخ اجاله بر کرم را عجمه و ذکر میکنم در مملکت نیر یا مقادیر هجرت
طریقت مختلف گنزداندن برای رومی مختلف و پنجاهم هجرت
تمام آنها در تحت ریاست کی نفر در آید و سلطنت از اقلانده ای

حکومت یونان در اواخر نامه چهارم مجرب علیی در آئینه در ۱۴۴۰
 سلطنت بنجا تولد یافتند *Alphonse* متعصب بود
 به پادشاه بود تا ۱۴۶۰ سلطنت به آبروت بنی از خلفه مجرب
 رسید داد ۹۱ سلطنت کرد پس در ۱۴۶۰ کبیر بدست و انارک
 افتاد و در تصرف انما به بود تا ۹۳ *Gustav*
Wasa ابر و انارک را از کبیر خارج کرد و خود سلطان شد و مقابله
 به ۱۴۶۰ سلطنت رزید *Lutjen* *adolph*
 از سلطان مجرب این پادشاه بود و چکنر متعصب و انارک و کبیر
 و بر سید فائق که در جنگ مرسله با آریش هم کارزار نمود و کبیر
 ۱۴۶۲ در جنگ کوزن *Lutjen* متعصب گشت
 قهر در سید و از سلطنت به پسر خود گشت *Lutjen* متعصب و مقابله
 تا ۱۴۶۳ سلطنت کرد و پادشاه بزرگ این طایفه شارل و در ۱۴۶۳ بود که
 ۱۱۰۸ تا ۱۱۲۱ ولایت داشت و چکنر متعصب خود خصوصاً با روس و در جنگ
 قهر فرقه و پسر *Frederichshald* در ۱۴۶۳ در جنگ

V14

۱۸۹ این حکومت بقصر و انبار نفت و آبسنگ مسجد تقصیل خود نشین
 و طیفان غنوده مهند تا ۱۲۶۹ در دست و انبار نفت و در پناه
 جزه حکومت بود
 سلطان حایل دین در دولت اسکار
 در ۱۳۰۰ قمری است ولی حکومت و تقیضات آنها از دیگر جدات
 و هر کدام باطله دارد سر کب از مجلس دور شود و دفتر وزیر دارد و در نزد
 پست نفوذ و کلیه اموال از دست او از دیگر موضع است بخینند
 سلطان کنی است
 در اوضاع حایل آنها
 آقا میر حسینی ۱۷۰۰ قمری است با کدو و بن حقیقت و پستی
 چهار هزار نفوذ باقی بر استان بنند و در اوقات نیست چهار هزار نفوذ
 قنول و ضرر کباب دارد و در سکنه جنگ ۱۶۵ هزار نفوذ است و اد
 سکنه پنجاه فروند و همیشه است ۵۳۰ فروند سکنه؛ چهار هزار نفوذ
 ۳۵۵ هزار نفوذ ردیف قنات دلال ۳۲ کدو تن است ۲۰۰
 هزار نفوذ مصارف سلطان میر بر و نیزه و سکه دارد و پنجاه هزار نفوذ
 و کتب ۷۰۰ هزار نفوذ کرده و آرمیت خانه اجبار است و در کدو

عقبات و گره و حجب و درگاه مصلحت ۱۴ کور قنای بغداد مشهور
و آنچه از ممالک آن خرمن می شود بهشت کرد و مردار آید است و کمند و تله کرد
مرد و زردی و سر کرد و مردار و خال سنگ و عسل و بار و پاشا و لغت هم دارد
استند و کجیه و تیر و تیر سوار و کج و فزون و شاد و نهض و فزون و بار
طرح خط راه که شش فرسنگ خط کثرت سوار و پنهان
بخت سواد و ۱۶ هزار نفر غنیمت اما نوز و لغت
بخت و فرسنگ بر تن است با سر کرد و نیم حجت و پستی می نهض و فرسنگ
باقی برستان هفت قوت در سکنای صلح مسجد و هزار نفر و در حجب
چهار هزار نفر و قوت حاضر نمود استند و کجیه چهار فزون و زرد و شاد
و چهار فزون و ناری ۱۰۰۰ نفر چهار ۲۷ هزار نفر و لغت است
رسال ۱۷ کور قنای است ۸۰ هزار نفر و شش مصلحت سلطان میر و کجیه
و نریطه دارد با نضام شش هزار و پانصد مدرسه و کتب ۳۰۰ هزار نفر و کور
در اینها هم تربیت خانه و مجرب است تبارت عده و تبارت و گره
و حجب و نریطه و تیر و تیر سوار استند و کجیه و تیر و تیر سوار

二

تجربه خارج سلطان متقی است ۲۳ هزار تان بزرگوار داشت و لکله امور
دولت در دست سلطان است و مختار قزوین و قزوین و قزوین و قزوین
و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین
قزوین در وقت ۵۰ هزار نفر با ۱۲ هزار درویش است و در قزوین
شرفه زده پیش است و بیت و سه فرقه بزاری و تربت و قزوین و قزوین
در این ملک کیاب و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین
قزوین کرد و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین
چهار صد هزار و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین
و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین
قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین و قزوین

توابع خارجه این دولت جزیره ایست و بعضی و جهاد این دولت است
 مربع و ۳۴ هزار نفوس است و اگر دشت است و بعضی و جهاد این دولت است
 هزار نفوس است و در این عمارت ایستاده و بعضی و جهاد این دولت است
 فرست و ۳۴ هزار نفوس است و بعضی و جهاد این دولت است

[illegible]

Schleswig-Holstein Sonderburg - Glückshing
 بدین مختبر و مکتب
 حایه است و وضع حایه در این مکتب است
 ۱۸۵۵ دولت تربیت است با چهار کلاس و غیره از ۱۸۰۰ نفر دانش
 و علم و روشی که به نام است ۱۸۰۰ نفر دانش

۲
بر سر غلبدین است
نریخ جایه دینار و
مقدونیه و در سایه
آمار مشرفه
است

محمود علی

[illegible]

ابراهیم بن رجباً قمری و حجت الاسلامی بن محمد بن محمد بن احمد طایفه ابراهیم
 Harburg در آرایش سلطنت داشته اند در ۶۹
 بنظر از این طاعت چه حفظ حالت خود اکتفا می نمودند و همان غیر از
 جمهوری نویسی بوده اگر چه معروف است که این ملک که پیشتر *Guil*
tel بوده در سال ۱۸۱۸ در آرایش سلطنت کرده و این
 تقصیرات همگی بافته تاریخ صحیح دارد و فقط قصه است در دیت صحیح
 این است که این بنظر از این رجباً که باقی شده و طایفه ابراهیم در از
 در دیت بیرون کرده پس از این ولایه آرایش سلطنت نویسی کرده و
 بنحیثی که خوردن در ۱۸۲۱ هم در دیت فرانسه قتل مرکب در ۳۰
 بنظر از این بنظر در دیت فرانسه بنویس فرانسه و در حقیقت که در دیت فرانسه
 بنظر از این بنظر در دیت فرانسه بنویس فرانسه در دیت فرانسه بنویس فرانسه
 لفظ و لفظ فرانسه صحیح است در سال ۱۸۲۱ بنظر از این بنظر در دیت فرانسه
 لفظ و لفظ فرانسه بنویس فرانسه در دیت فرانسه بنویس فرانسه
 لفظ و لفظ فرانسه بنویس فرانسه در دیت فرانسه بنویس فرانسه

تجدید بنام ۵ در یک قرب ۱۰۸ کرد و آن از آن حدیث بود و دیگر کاهن است
قدیرین و ضعیف است این و فواید و آثار است و اما تم فرغ است ۵
ساله پنج کرد و آن لغزش میر بر و فاعل سنگ ۵ از ۲۸۳ صدن است و پنج
می شود چهار است و آثار ۴۰۰ فروزه شری است و به فروزه نادر
نظر خط راه این ۷۰۰ فرسنگ است و خط ط کرات چهار بار است
فرسنگ قهر و وزن و سایر احوال مثل فرزند است و بهشت
بزرگوار است ۲۵۰۰ هزار نفر هست و از نادر متبر و کد است
۲۰۰۰ هزار نفر هست و در شرح نویسی
تقریباً در چهار صد یک قبر از جهت حکمت برین بقعرت سوادین کند
افتاد و در ۲۲۸ بعد از جهت بد و جزو منفعت تم قهر شری ۲ بهر اطراف المانی
منشور کرد و در دو رخ به یادش فرستاد نقل گرفت پس از آن قطعه
خرید بقعرت و در یک رخ افتاد و در یک ۲۲۳ با نعام در یک رخ در یک رخ
ث و در طرف امیر اطراف المانی حاکم برای انجمن کردن در یک رخ و در یک رخ
نادر بن رختی نادر از آن و در یک رخ و در یک رخ و در یک رخ و در یک رخ

در اسماء

مبنی
 گشته از و جان در این صحنه ای تولا غیرت
 و شجاعت فوق العاده از اهل کویس بخود رسیده و در حل هم نفس تحریک و هیجان
 از اهل کویس جز ر قوت خود و قرار یافته
 در ۹۰۵ هجری قمری شب منتهی هم کویس در طرف همراه اهل کویس
 میشتند در ۹۲۱ فرانسه آمدن هم فراتر هم کویس را شستند و در
 و بعد صبحی بسته شد پس از آن آه کویس ۵ مرکب از ۳۲ بلوک بود و در
 از آن زمان تا پیش واقعه ۵۰۰ کویس و در دست ۵۰۰ برای
 زده و در ۱۷۱۱ و ۱۷۱۲ و ۱۷۱۳ و ۱۷۱۴ و ۱۷۱۵ و ۱۷۱۶ و ۱۷۱۷ و ۱۷۱۸ و ۱۷۱۹ و ۱۷۲۰ و ۱۷۲۱ و ۱۷۲۲ و ۱۷۲۳ و ۱۷۲۴ و ۱۷۲۵ و ۱۷۲۶ و ۱۷۲۷ و ۱۷۲۸ و ۱۷۲۹ و ۱۷۳۰ و ۱۷۳۱ و ۱۷۳۲ و ۱۷۳۳ و ۱۷۳۴ و ۱۷۳۵ و ۱۷۳۶ و ۱۷۳۷ و ۱۷۳۸ و ۱۷۳۹ و ۱۷۴۰ و ۱۷۴۱ و ۱۷۴۲ و ۱۷۴۳ و ۱۷۴۴ و ۱۷۴۵ و ۱۷۴۶ و ۱۷۴۷ و ۱۷۴۸ و ۱۷۴۹ و ۱۷۵۰ و ۱۷۵۱ و ۱۷۵۲ و ۱۷۵۳ و ۱۷۵۴ و ۱۷۵۵ و ۱۷۵۶ و ۱۷۵۷ و ۱۷۵۸ و ۱۷۵۹ و ۱۷۶۰ و ۱۷۶۱ و ۱۷۶۲ و ۱۷۶۳ و ۱۷۶۴ و ۱۷۶۵ و ۱۷۶۶ و ۱۷۶۷ و ۱۷۶۸ و ۱۷۶۹ و ۱۷۷۰ و ۱۷۷۱ و ۱۷۷۲ و ۱۷۷۳ و ۱۷۷۴ و ۱۷۷۵ و ۱۷۷۶ و ۱۷۷۷ و ۱۷۷۸ و ۱۷۷۹ و ۱۷۸۰ و ۱۷۸۱ و ۱۷۸۲ و ۱۷۸۳ و ۱۷۸۴ و ۱۷۸۵ و ۱۷۸۶ و ۱۷۸۷ و ۱۷۸۸ و ۱۷۸۹ و ۱۷۹۰ و ۱۷۹۱ و ۱۷۹۲ و ۱۷۹۳ و ۱۷۹۴ و ۱۷۹۵ و ۱۷۹۶ و ۱۷۹۷ و ۱۷۹۸ و ۱۷۹۹ و ۱۸۰۰ و ۱۸۰۱ و ۱۸۰۲ و ۱۸۰۳ و ۱۸۰۴ و ۱۸۰۵ و ۱۸۰۶ و ۱۸۰۷ و ۱۸۰۸ و ۱۸۰۹ و ۱۸۱۰ و ۱۸۱۱ و ۱۸۱۲ و ۱۸۱۳ و ۱۸۱۴ و ۱۸۱۵ و ۱۸۱۶ و ۱۸۱۷ و ۱۸۱۸ و ۱۸۱۹ و ۱۸۲۰ و ۱۸۲۱ و ۱۸۲۲ و ۱۸۲۳ و ۱۸۲۴ و ۱۸۲۵ و ۱۸۲۶ و ۱۸۲۷ و ۱۸۲۸ و ۱۸۲۹ و ۱۸۳۰ و ۱۸۳۱ و ۱۸۳۲ و ۱۸۳۳ و ۱۸۳۴ و ۱۸۳۵ و ۱۸۳۶ و ۱۸۳۷ و ۱۸۳۸ و ۱۸۳۹ و ۱۸۴۰ و ۱۸۴۱ و ۱۸۴۲ و ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ و ۱۸۴۵ و ۱۸۴۶ و ۱۸۴۷ و ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹ و ۱۸۵۰ و ۱۸۵۱ و ۱۸۵۲ و ۱۸۵۳ و ۱۸۵۴ و ۱۸۵۵ و ۱۸۵۶ و ۱۸۵۷ و ۱۸۵۸ و ۱۸۵۹ و ۱۸۶۰ و ۱۸۶۱ و ۱۸۶۲ و ۱۸۶۳ و ۱۸۶۴ و ۱۸۶۵ و ۱۸۶۶ و ۱۸۶۷ و ۱۸۶۸ و ۱۸۶۹ و ۱۸۷۰ و ۱۸۷۱ و ۱۸۷۲ و ۱۸۷۳ و ۱۸۷۴ و ۱۸۷۵ و ۱۸۷۶ و ۱۸۷۷ و ۱۸۷۸ و ۱۸۷۹ و ۱۸۸۰ و ۱۸۸۱ و ۱۸۸۲ و ۱۸۸۳ و ۱۸۸۴ و ۱۸۸۵ و ۱۸۸۶ و ۱۸۸۷ و ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ و ۱۸۹۰ و ۱۸۹۱ و ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳ و ۱۸۹۴ و ۱۸۹۵ و ۱۸۹۶ و ۱۸۹۷ و ۱۸۹۸ و ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰ و ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ و ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ و ۱۹۱۰ و ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ و ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ و ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ و ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ و ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ و ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵ و ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ و ۱۹۵۸ و ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ و ۱۹۶۵ و ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ و ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ و ۲۰۲۸ و ۲۰۲۹ و ۲۰۳۰ و ۲۰۳۱ و ۲۰۳۲ و ۲۰۳۳ و ۲۰۳۴ و ۲۰۳۵ و ۲۰۳۶ و ۲۰۳۷ و ۲۰۳۸ و ۲۰۳۹ و ۲۰۴۰ و ۲۰۴۱ و ۲۰۴۲ و ۲۰۴۳ و ۲۰۴۴ و ۲۰۴۵ و ۲۰۴۶ و ۲۰۴۷ و ۲۰۴۸ و ۲۰۴۹ و ۲۰۵۰ و ۲۰۵۱ و ۲۰۵۲ و ۲۰۵۳ و ۲۰۵۴ و ۲۰۵۵ و ۲۰۵۶ و ۲۰۵۷ و ۲۰۵۸ و ۲۰۵۹ و ۲۰۶۰ و ۲۰۶۱ و ۲۰۶۲ و ۲۰۶۳ و ۲۰۶۴ و ۲۰۶۵ و ۲۰۶۶ و ۲۰۶۷ و ۲۰۶۸ و ۲۰۶۹ و ۲۰۷۰ و ۲۰۷۱ و ۲۰۷۲ و ۲۰۷۳ و ۲۰۷۴ و ۲۰۷۵ و ۲۰۷۶ و ۲۰۷۷ و ۲۰۷۸ و ۲۰۷۹ و ۲۰۸۰ و ۲۰۸۱ و ۲۰۸۲ و ۲۰۸۳ و ۲۰۸۴ و ۲۰۸۵ و ۲۰۸۶ و ۲۰۸۷ و ۲۰۸۸ و ۲۰۸۹ و ۲۰۹۰ و ۲۰۹۱ و ۲۰۹۲ و ۲۰۹۳ و ۲۰۹۴ و ۲۰۹۵ و ۲۰۹۶ و ۲۰۹۷ و ۲۰۹

و دارای در مجلس است و در درازات ^{توسیع} چتر در دست روی می تلفظ است
 چهار باب فیوضه دارد کتابت سالیانه ۴۰ اگر در است و مطابق
 قانون قوتن که بانه ندارد و در وقت جنگ هر دو که بر تو بفرماید خبر نظام بود
 و در وقت امن هم هر یک از افراد معلوم باید دست چپ و خنجر در دست
 می باشد و قوشن که کت در دست می آید چنان که سالیانه ۲۲ ساله
 در عددشان ۲۰ هزار نفر است رقم هم از ۲۲ سال است تا ۲۲ ساله
 و عدد لینا ۱۲ هزار نفر است و قیمت آنها پسند نشان کمتر است از
 و بیشتر از ۴۴ و بعد لینا ۳۱۰ هزار نفر کتابت سالیانه ۴۰ اگر در
 قانون است و تحت حکمت ۹۹۲ و فرسای مرتب باشد که در حقیقت در حقیقت آن
 بر آستان هستند با تحت شهر بن است ۴۸ هزار نفر جمعیت
 و شهرای میسرش زن است با بغداد و هزار نفر در ترکیه ۸۵ هزار
 و ۱۰ هزار نفر حصه خود میز است و در دولتی و کار خانات
 بسیار دارد و محضه برابر با فن و غیره و این و در دست ناری که خط کرده
 آن ۵۰۰ فرسنگ است و کدورت ۲۷۰۰ فرسنگ و در آن و در

پرتقال
 اتحاد مقرر فرمود است در سال دوازدهم در محکمت بزرگای آنجا که حکم کشیده
 در دوازدهم بنام فراموش و در حین این سال
 در شرح پرتقال
 تقریباً در سال ۱۰۰۰ قمری در محکمت مقرر شد که پرتقال مردم است به
 در سال ۱۰۰۰ و تا سال ۱۰۰۰ قمری در محکمت و در تصرف آنها باشد و قرار داده
 طایفه گوشت آنها را مقرر داشتند و ۹۲ سال بعد از محکمت بهر سال تقویم
 و ۱۰۰ سال بعد از محکمت را فریدریش Ferdinand
 پادشاه کاتولیک ضمیمه نمود و در یک روز به او پادشاه معرفت در زمان پادشاه
 قلم کشید و چون ضمیمه دیدند که آنها را مقرر نمود مناسبت بهم آن قلم کشید
 به پرتقال مردم سخت در آن زمان به پنجم دولت پرتقال در سلطنت
 کاتولیک موضوع شد به محکمت کردید و آنقدر که
 از بنده برگزیده در آنجا حکم است و است در سال ۱۰۲۳ و در حین آنکه
 Auriquez
 پنج تن از امرای حرب را منصوب ختم
 به تصدیق و مضامین اب بایشان بر پرتقال منصوب شد در ۱۰۲۳
 پادشاه سلطان محمد فرزند پسر را از امرای برگزیده پادشاه خود قرار داد و او را

نام شهر باقی مکتب بقول هم از تصرف هر باب خارج بود
 بقول ۷۸۷ و در نظر از مذهب بود که در این ملک سلطنت را در آن و بعد از آن
 و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 نشسته و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 بر کرده و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 نه مکتب از مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 مکتب شود و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 تمام مکتب از مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 بحرین از مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 و تمام جزایر از مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 در امور است و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 مکتب بقول است و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب
 از مذهب برای کار از مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب و در این مذهب از مذهب

۱۲۵۱ خورشید سلطنت خارج
 کرده بود سلطان شد و قلع و بقاع را آن زمان در دست عثمان بود
 در ۱۲۸۴ تصرف سر به در گشت
 در ۱۲۸۵ پارس
 میختر مستول در میلان پادشاه حایه سلطنت رسید در ۱۲۹۳
 هر سر به در دست عثمان گشت داشتند در ملک عبد الواسط حاکم روم و
 روس دست سر به در مقتول تمام یافت و در ۱۲۹۹ پارس سر به در مقتول
 بجا ماند در روضه حایه بنی
 در ۱۲۷۱ استود شده امور دست در دست پادشاهان داشت نفوذ داشت
 قیامت ۱۳ اگر در تان است در ۱۶۰ هزار تاناش بجهت مصارف
 زمین است قوتن سه قمارت هزار کاب صدر زلف رفیع
 هر ۵۵ هزار زلف رفیع در ۵۵ هزار زلف رفیع
 ۱۱۸۰ فرست مرتفع چهار کمر حایت خنک و کلاه در آنجا
 و غده و سینه نیز فرادان دارد قطر خط راه آنهم خود فرستادن
 ۲۲۰ فرست خط کمراف دارد قبل دنازیات بر نرخ حایه کمراف

عثمانی
 بهشت شهر و سایر احوال مندرج در آن است پشت بفرموده ۲۴ هزار
 لغزیت در شرح عثمانی
 تقریباً در ماه بهشتیم هجری قریب به ۵۰ هزار نفر از اشیان ترک
 بمرداری سلیمان خان از لشکر مندرج در خبران بغداد جدا شده و بمیت
 ارستان فرار کرده و در نزدیکی شهر قونیه لشکر گرفته و پس از مدتی
 در حضرت عسکریین سلجوق شده و در ۶۹۹ هجری قمریین وفات
 کرده ریاست آن طایفه عثمان نام مستحق گرفت و لشکر بعد از عقب سلیمان
 شد و این مناسبت سده اور عثمان گفته
 در ۷۲۶ هجری
 اورخان پسر عثمان بر دلاست یافته و عمارتیک مخصوص خود بود
 به موجب ای موصوم ساخت و او اول شخصی بود که در این دولت
 رتب لشکری دارد و شتر بود بر شتری و پلکان و سپاهر (سواران)
 تقریباً در سلیمان نام بود در ۷۵۴ هجری از او پ شد و سلطان ایاد
 اتر در ۷۶۰ هجری از او را پشت خود ساخت و مضرعات اهر طور
 روم شرفی منصرف بشهر اسمیر و بعضی دولت اطراف آتینه اتر

عبدالمطلبی
در پسر مردی پسر بود اصفق و بدان و بقرستان و دیان را فتح نمود
و بعد باقیور ملک کارزار نمود و در ۱۰۴۰ هجری پس از او فتح
اتر و مراد حیم سلطنت کردند محمد حیم پسر مرد حیم عقب بغازی
نزد اسپهر را بید گرفت و سلطنت بهر اطراف روم را بجا بفرستاد
نمود و اسپهر را بپشت خود قرار داد از آن تاریخ بعد دولت عثمانی
وقت گرفت و ترقی بسیار کرد و ولایتان و جوارستان را مغرب نمود
و تیمی حیم جوارستان را بفرست خود آورد و دولت اطیش را بکشت
بهر عراق عرب و کرجستان را نیز فتح نمود و در این سلطنت
دولت عثمانی کمال قوت پیدا کرده و استعدادهای مجرب و معتبر تهیه
کرد و مال افریقا از مصر الی ماروک را در قیقت آباد کرد
و سلطنت اقصا ب افریقا سلیم حیم و مراد سلیم و محمد حیم دولت
عثمانی متزلزل یافت و در ۹۱۹ هجری استعدادهای مجرب و معتبر تهیه
نمود و در این سلطنت ایران نیز و بلاد را از تصرف اوضاع
و در دولت آفریقا نیز نیز نیست و در ۱۰۴۰ هجری در سلطنت مراد

[illegible]

در قیام است طایفه فرنگ خاندان و نژاد ان بهر اطراف روم فرستاده
قطعه ثانی ایالت جزیره هند بود در وسط تصرف است پاپ بود و قطعه
چهارم منقسم بود به چهار پادشاه و جزیره سیم و در تصرف اعراب
بود در نایب سیم جزیره عربی و ذریع برابری و در ۳۱۳ اعراب را در
جزیره سیم خارج کردند و بهر طایفه زنان و دختران طایفه و در دست
جذب سلطان منقسم شدند و شمال ایالت منقسم به چهار پادشاهی
در نامه منقسم جزیره اعظم این حکمت بقدر فراوانه و اسپانیه افتاد و در
در نامه منقسم بعضی از جمهوریه سلطنتی شدند برایت ملک در او
نامه منقسم این ملک به پنج قطعه بزرگ منقسم گردید و جنوب آن با شهر
ناب و در دست یکی از خانواده اسپانیه بود و در قوم و در تصرف پاپ بود
و فقیر این در تحت طایفه بود و در طرف شمالی جمهور و ذریع بود
سیدال منقسم طایفه سفور را بود بعد از آن وضع چهار پادشاه منقسم گردید
بعضی در تحت حمایت آرایش بودند و در هر پادشاهی جمعی بفرستاد و در
نام قبر سفور می در شورش عظیمی در دست فرانسه بران قطعه هند

[illegible]

تا بدین سلطنت پادشاه را بر زمین زد و بر خوردار داشت و مردم نمودند نیز از آن
 نامیون وضع ایطالیه مجدداً تغییر پذیرفت این همه که سیر و سایر
 به بریدن خلق گرفت و جمعی در ملک بر زمین خود با انضمام قطعه شمالی
 ایطالی بدولت اطیش خلق گرفت و قمر بکر از طرف شمال با جمعی
 بر زمین دولت ساردینیه و در آنجا بنوازد اینست که
 بیای چند را بر وجه نامیون خلق گرفت و لولا که بنوازد قریب باره و اگر از
 شد و کمال نهاده آرایش یافته در مردم پادشاه و حیزه
 اما در دولت انفسی صاحب خود سلطنت اینان بنوازد ای محقق
 در ایطالی در قمار یک بهر خود و دل خود رفته رفته پادشاه صفت و در
 اینان که در این جهات در وجه در آنکه در صفت در این بنوازد و سایر
 نامیون چون دولت آرایش مخصوص حضرت ایتا را بر خود فرض
 مستحکم میاید اینست لهذا مارل ابرت با این ساردینیه چنین مختصر و در
 بدوا از قدرت او در ایطالی که با این لحاظ با آرایش نامیون که کرده
 ولی در این جنگ مغلوب شده و قهر استخوانده

ایمانی
و برین و کورس نانوس بطلت سید حرکت فرانسه بطلت خود
در این مورد مدینه نمود و در ۱۶۶۵ قونیه برودم خستار صدر عظیم
و کورس نانوس مرموم به کادور چون نفس کافی و مدبری بود باطلت
قرار نامه با دولت فرانسه منعقد نمود و ضمناً اسباب خارج را
قتی فراهم کرد و آری تنها در ۱۶۷۰ در جنگ بصلت گرفته و بر مقتضای
قرار نامه فرانسه با هم از اطلال حمایت کردند و خود با هم بسیار خود را
و از اطلال شده و دولت و ساروین نهادن از این و هفتاد و شصت و شصت
که مایه ای هم به جیس کوشی با نهان می شد در جنگ با رتبه
Magenta قون آریش نکست حوزت و در این
جنگ تلکس و جنگ با راداک مدینه فرار کرده و در آن حال
و کورس نانوس را باطلت می نمود اختیار نمود و در جنگ کول فرینو
قون فرانسه بر داری خود با هم و قون آریش بر داری و بر اطلال آریش
مستقر شدند و کرا آریش نایب مغلوب شدند و بهر این آنها صحنه و دیدار
منعقد شد نتیجه این جنگ اینها به مقتضای از اطلال بکار

دست رفت و به دیگرستی ، نوین قوت گرفت ^{ایاتی} ^{تعبیر از این واقعه}
کارهای بی باقی بهر از قهر بجزر به پیر رفت و مردم را بسلطنت و حکومتی ، نوین
آفتاب و توفیق نمود و از آنجا بپایر رفت ، پادشاه آن دولت را بمرکز
در استقامت و به مردم اظهار کرد که دیگرستی ، نوین به پادشاه است
غیر از سلطنت مردم به پست و تصرف فرزند پادشاه است در ۱۲۸۳
حالت ایضا بمحمد آفرین بنار جنگ گذاردیم و در جنگ دایم دیگر این
وقت از آفرین بکشت حوز و چون در آن وقت حالت آفرین
به ریس جنگ داشت و از طرف او مغلوب شد بدو لقب از آفرین
صرف نظر نمود و حدود و زمینیه آن وقت در دست آفرین بود
ایضا به سر دهر بهر از آن قوت فرزند نظر بمصطفی از مردم خارج شد و دیگرستی
فانویس در ۱۲۸۷ دهنر دهنر و آسمان را به پست ایاتی قهر کرد و از آنجا
بسیه سلطنت پاپ برپا نمود و در ریاست به پیر او هنوز ریاست
در وضع جاریه ایضا به پادشاه و پیر او
محمد و دیگرستی فانون به پست بعد از آن سلطان از آنجا که در آنجا

ایستاد
بودند در راه حشم مجری در شهر تهران سلطنت میکردند در ۸۱۹ م
در کعبه شریف در ۱۱۳۳ در اردین سلطنت پیدا کردند
امور این دولت در دست سلطان است و ده نفر وزیر و پارلمان و محاسب
و مجلس است قیامت سالانه ۴ بار کردار تاجان و در وقت این قیامت
حاضر را باب ۲۵۰ هزار و در جنگ پانچ کردار قیامت نمود استوار
بجزیره ۱۲۰ فرزند کشتی بهاری ۲۱ فرزند آن زنده پوش است و
فرزند آنها بزرگترین زنده پوش است و تاکنون سفینه ۴۲ باب
در نیوسیفه دارد با ۴۴ هزار نفر کشت کرد و ۷۰ هزار مرد و کشت خانه دارد
با سه کرد و نیم شکار و با وجود این قریب دهشت از تمام ایالات
بیگانه بودند و قسمت مملکت ۷۲۰۰ فرسنگ مربع با جزیره
جسیت و بیشتی صدها نفر باقی کا تو لیک باشند
عمده دروغ زبون است میوه شراب صهر صندل و غیره
در دنفرد و سرمر استوار و مجری برابر تجارت ۷۲۰۰
فرزند شراب و ۲۰۰ فرزند بنارس طقس خط راه آسمان ۱۹۰۰ نفر

خط قمرات ۵۰۰۰ فرسنگ با تخت ندر دوم ۲۷۵ هزار فرسنگ
جغیت بر دریا کاهک مشرفانه
سال هفدهم بعد از احداث بعضی توابع در امور افریقیه مدخسه کرده
و در بحر مجاور بند مصوق را بشرف در آورده و بر روی بم ۲۰
فرسنگ مربع وسعت دارند چنانچه مذکور است متغایب در دوم است
و بر تمام اشخاصی که از طریق کاتولیک در میانند ریاست کلیه دارد
باب الحایه لیون نیز در هم است در ۱۶۹۰ منتخب شد انتخاب پاپ
ترتیب مجلس کار و دنیا است ۲۰ نفر از هزار دارد و پاپ است
نصرت و نیم مایه از بطریق کی در خوارین حضرت علی بوده و او را
باب تبرئانه
و شرح سناریو
چهارم قبر از حضرت مارینوس نام در آنجا شهریست نهاده و در آن
آب و حال این نقطه و نظر حیات سلطان محفل به عقل خود باقی ماند
و حسن قریب در فرسنگ مربع است بهشت هزار نفر جغیت
۶۰ هزار تان و بجهت حفظ حدود خود مقرر است و تمام مذکور آنها هستند

بقدرت جز نظام نبود و بعد از آنکه ۱۸۵۵ نفر باشد امر این ملک
 در عهد مجلس است و در کار بر عهد انعقد شود و در سال ۱۲۸۹ هجری
 خود را در تحت حمایت پادشاه آیت الله قرار داد
 در شرح بقدر درویشی شریفی
 این درودیت، ۱۲۹۵ از ولادت معانی محبوب شد در این دو خطه
 عهد ناصر دین پارس بقدر مستقر گردید بشرط بر این شد و پارس را
 بقدر نخب می کند از خانواده سلطانی در این معنی بنام درویشی شریفی
 نیز ایالت مستقر شد حکومت حاجی در بنام عبدالعزیز
 در این پارس پارس پارس را از خانواده باقی در یک تعیین نمودند در
 ۱۳۰۲ در درویشی نورش کرده حاکم را بریدن کرده و خود را بایست
 بقدر ملحق شدند و در سال بعد در است خفایه این مطلب خبر نمود
 در ویشی شریفی در بقدر حبس در مودوم، کمر بند ایلی بقدر طغیان
 کرده و پارس پارس پارس را در استغفا نمود و در ۱۳۰۴ فرزند دین در کمر
 انتخاب شد و پارس حاکم بقدرستان است اتور این در است در

خارج کردند و جانت که از این راهها را مقصد و محسوس کردند و یکی
 در عقب سلطان ب در غرناطه (در ازا) باقی نه بود و در ۹۶۲ در
 هم سیر و ن کشته گفت یک دنیا هم در آن عصر شد
 که از این راه از نو بر خود فروخته بماند و سیر و جزی داشت و در عقب
 از غرناطه اسیر کرد آتش بود بهر ذوق از این راه در ۹۱۰ آن عصر
 که اسپانیا در حال سیر و جزی داشت و در حدود این راه
 بودند بهر شادمانی بماند و نسبت این راه به این راه
 حق شده و سلطان این راه را بهر شادمانی در آن راه
 در آن راه بسیار معظم و مقرب بود و آنکه در این راه در آن راه
 اعانت او بود و قول بسیار بکسر کرده بود و در آن راه در آن راه
 بود و تماش در تصرف او بود و چون شادمانی در آن راه
 استغنا نمود آتش و آنکه از در آن راه در آن راه
 غلبه جیم هم بواسطه او در آن راه در آن راه در آن راه
 و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه

بماند

اسپانیایی
 و خاندان و فرمان و بر قتل و اقامت با وجود اینکه در آن راه در آن راه
 سیر و جزی در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 غلبه جیم بود و تمام جمعیت این راه را زود کرد و در آن راه
 چهار کرد و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 غلبه جیم بود و تمام جمعیت این راه را زود کرد و در آن راه
 در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 و چون کشته شد و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 ضعیف شده و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 جمعیت این راه را زود کرد و در آن راه در آن راه در آن راه
 سلطان به آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 سیر و جزی در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 غلبه جیم بود و تمام جمعیت این راه را زود کرد و در آن راه
 در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 مصارف سلطان به آن راه در آن راه در آن راه در آن راه

اسپانیایی
 شد و یک دفعه شد و غلبه جیم بود و در آن راه در آن راه
 نمون میر و جزی در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 زود رفت و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 بماند کشته پس از کشته شد و در آن راه در آن راه در آن راه
 و سیر و جزی در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 و ۹۶۲ سلطان به آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 سرنگار برادر فرزند سیر و جزی بود و در آن راه در آن راه
 هم توشه کرده سبب غلبه جیم بود و در آن راه در آن راه
 بکشت خاندان فرزند خود و در آن راه در آن راه در آن راه
 برایست برادر و آنکه آقا بهر دیکری وافر را بماند و در آن راه
 آیین سلطان هم سبب بکشته آقا بهر دیکری وافر را بماند و در آن راه
 از قتل و تخریب دست بر غلبه جیم بود و در آن راه در آن راه
 مجرور برایست برادر و جزی شد و در آن راه در آن راه در آن راه
 وفات کرد و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه

بماند

اسپانیایی
 و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 آن راه در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 سیر و جزی در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 بکشته شد و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 و ۹۶۲ سلطان به آن راه در آن راه در آن راه در آن راه
 سرنگار برادر فرزند سیر و جزی بود و در آن راه در آن راه
 هم توشه کرده سبب غلبه جیم بود و در آن راه در آن راه
 بکشت خاندان فرزند خود و در آن راه در آن راه در آن راه
 برایست برادر و آنکه آقا بهر دیکری وافر را بماند و در آن راه
 آیین سلطان هم سبب بکشته آقا بهر دیکری وافر را بماند و در آن راه
 از قتل و تخریب دست بر غلبه جیم بود و در آن راه در آن راه
 مجرور برایست برادر و جزی شد و در آن راه در آن راه در آن راه
 وفات کرد و در آن راه در آن راه در آن راه در آن راه

سهرورد فرستاد پنج کردجهست دریا جرایقین جنس و بست ۷۲۰
فرستاد مربع احوال کردجهست و درازنقا نیز فرستاد یکجک بست
۵۰ فرستاد و ۶۰ هزار نفر جهست قهر را در رایل نیز فرستاد
شهر و احد وزن لیرا سلال صدقالت و احد طر و در باره ۳۰ اگر
در شرح ترانه کیم

تقریب بقصد قبر از قبرت رویان برادر قیصر از طرف فرستاد
و قبر نخعیس شده و در آن زمان آن ملک را آنگون موم بود و طریقی
برقون در آن کفر داشته و قریب کجیال به در حکومت زوایس اگر کجی
جزو اعظم به جزیره تصرف نمود در آن در شش و است مقیم شده و بعضی از
شهر از قبرت لادن و دیگر در آن کن در آنصورت و نخعیس آن از
حیثیت صحر غده معروف بود کتی بهر تیرب عوی در آنجا ظاهر شده
و قیامت سال قبر از قبرت بهر جگه رسید و یک در است دوم با طریقت
ژدان و است اگر قویتم که نخعیس داشت از آنجا خارج شده و طریقت آن
سلوک کن نخعیس را متحر نموده و طریقت قیام برتون بجای کال و کوس

نخعیس

مردی شده و در طریقت کشت نخعیس را بهرست جزو مقیم نموده
و در آنده ۵۰ هزار نفر متعلق اکثر است از آن و یکس یک سلطنت مبدل
بهم و است آن کجیال سهروردان هر زمان و در باره هر کجیال فرستاد
کرد و بعضی طرقت از تصرف نخعیس خارج شد و باب خط کشید و بهر
در است نخعیس در سلطنت آن کجیال در ۲۵۸۴ تا ۲۵۸۵ هجری بمطهر
انجامید تمام نخعیس را مصلح نموده و بهر تیرب عیور در آنجا و در طریقت
الیزو بمرد و در آنجا در آنجا بنام نخعیس کفر نموده و بنام در خط و است
در قیامت و است مدین نخعیس بمرد و در ۵۰۰۰ کزانه آنها میده
و در سال ۲۰۰۰ و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
در روزگار در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
کافوت در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
سلطنت کرد و سهروردان او در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
جری او در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

و بهرورد سهرورد و در کجیال برین کجیال قول آن کجیال کون کجیال
و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
کجیال کجیال و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
چشم و آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
فرمانده و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
این ۱۰۰ هزار و آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
سال مکرر زحمت فوق الله متعظم و آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
حقیقت در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
واقع شده کجیال هر از باب برین قتل و مرد از کار و در آنجا در آنجا
تمام نخعیس آن را کجیال مصلح سلطان قرار داده و در آنجا در آنجا در آنجا
آزاده است و کجیال کجیال و تمام ملک ۲۰۱۵ جزو مقیم نموده
۱۴۲۲ عدد از آن اجزای امیران و کجیال در آنجا در آنجا در آنجا

و ۲۸۱۵ جزیش را کجیال تیر و دایمی را برادر چمن و در آنجا در آنجا
یر ۱ از سلطان است بمرد نموده و در وقت جنگ قتل و کجیال آن
حاضر گشته و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
کجیال هر زمانه می برادر شد و کجیال کجیال و کجیال کجیال و کجیال کجیال
کجیال کجیال و کجیال کجیال و کجیال کجیال و کجیال کجیال و کجیال کجیال
بنام کجیال کجیال و کجیال کجیال و کجیال کجیال و کجیال کجیال و کجیال کجیال
و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
سلطان بر آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
سلطنت کجیال کجیال کجیال کجیال کجیال کجیال کجیال کجیال کجیال کجیال
در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
زمانه می بمرد و جزو نخعیس کجیال کجیال کجیال کجیال کجیال کجیال کجیال
و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
و در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

پس از این حوادث اود در چهارم شهریور در اردبیل در اردبیل
 فرزند واکوس چهارم پسر پسر داشت در ۱۸۸۵ فوت کرد و پسرش
 اود در پنجم معاوضت عیونش ریست رو در کنگوستر برادرش
 سلطنت نشست سه ماه بعد حاج ک اود در پنجم در اردبیل نشست
 و خود با هم ریست و سیم با هم ریست این رفتار نشسته او با این امر اود
 مقید نیفتاد و پسر تودرکست بر چنده سلطنت اختیار نموده و به کمک
 دولت فرانسه در ۱۹۰۰ ریست رو در اردبیل بر سر نشست و بعد از آن
 رسانیده و پسر تودرکست با هم پسر سیم با هم ریست و در واقع پسر اود تودرکست
 و پسر زن پسر سیم و با این واسطه خاندان طو در سلطنت کفستان
 نایب نشاند اود در سلطنت و نفر تر شده و با این عین گیری گذاشته
 هر دو را دستگیر نموده کی را مقید نگذاشته و دیگر را در اسب خانه شاکر کش
 نموده و پسر سیم سلطنت عادل و دیگر کار بود و در سلطنت او تمام مردم
 در آسایش بودند و در آخر محرم ۹۱۵ فوت کرد و منج ۱۲ اردیبهشت
 در خانه و خیزه گزارد برادر او پسرش پسر سیم سلطنت رسید

تر

پسر چلی با فرزند خود برادرش غلبه در ۹۳۰ صلح نمود در آن ضمن
 پادشاه واکوس با قیون حلقه و فرزند واکوس کفستان شده اود در جنگ
 قیون در سال ۹۱۹ مغلوب گشت و پسر رسید و در دولت در این
 حصر مدت کار و نیال و پسر بود در ۹۳۷ فوت کرد در ۹۳۱ جنگ
 دریم با فرانسه واقعه و نتیجه بخشید و پسر سیم چون پیش از آنکه تر نشسته
 و پسر را این بود و در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 اود در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 سنانه کردید و پسر با این امر اود
 از کت اطمینان و ریست با این امر اود
 عده خود گرفت و در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 سلطنت کفستان و پسر با این امر اود
 و دیگر بقعه خود را آورد در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 و اود در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 طلاق کرد و زن پسر با این امر اود

در ۹۵۱ جنگ تیم با فرانسه آغاز کرد و در آن ضمن پسر سیم بر کفستان
 در اردبیل و کمر بعد در ۹۵۴ فوت کرد و در این سلطنت از کفستان کفستان
 با این سلطان و باب غنیش زیاد واقع شد و چون کاتو کبک حکام
 سلطان را بر قضاوت با این نمی پذیرفتند بر آنجا حمله وارد و میاور و عده
 با این پرستان و کاتو کبک هم کفستان کفستان کفستان کفستان
 اود در ۹۵۴ فوت کرد و پسر با این امر اود
 پرستان کمال قوت را گرفته تا در ۹۵۹ تمام دالی کفستان سلطان پسر
 پرستان در آمد و در ۹۵۹ فوت کرد و پسر با این امر اود
 پسر بود سلطنت رسید و قلیب دریم از فرزند پسر اود اود اود اود
 و در کنگوستر با فرانسه جنگ نموده مغلوب گشت و پسر با این امر اود
 کفستان در فرانسه بود اود در ۹۵۹ فوت کرد و پسر با این امر اود
 و اود کفستان کفستان کفستان کفستان کفستان کفستان کفستان
 و پسر سیم از زن کفستان سلطنت رسید و پسر با این امر اود
 را ترویج نمود و بعد از آن با این کفستان واکوس واکوس واکوس

پسر سیم

پسر سیم در اردبیل فرزند خود برادرش غلبه در ۹۳۰ صلح نمود در آن ضمن
 پادشاه واکوس با قیون حلقه و فرزند واکوس کفستان شده اود در جنگ
 قیون در سال ۹۱۹ مغلوب گشت و پسر رسید و در دولت در این
 حصر مدت کار و نیال و پسر بود در ۹۳۷ فوت کرد در ۹۳۱ جنگ
 دریم با فرانسه واقعه و نتیجه بخشید و پسر سیم چون پیش از آنکه تر نشسته
 و پسر را این بود و در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 اود در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 سنانه کردید و پسر با این امر اود
 از کت اطمینان و ریست با این امر اود
 عده خود گرفت و در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 سلطنت کفستان و پسر با این امر اود
 و دیگر بقعه خود را آورد در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 و اود در ۹۳۷ فوت کرد و پسر با این امر اود
 طلاق کرد و زن پسر با این امر اود

انگلیس

امانت مقرر شد و باب چهارم در هکلت کردید و بین سلطان
 پهلوان کشتی کور خوات و افتخارات نهیمه بین کاتولیک و برتان
 هم زکات حسمی از اجزای مجلس عاتد در پهلوان از باب مصارف زکای
 و سلطان میفود و زرار را مدت میگردید و نفر انگار کشته و تمام شیرین
 و کار گذران است را تغییر دادند و در ۱۰۵۹ پیگیری بزرگی در ایرلند
 واقع شد و بعد از آن انگلیس از سلطان استعدا نموده و بعضی از دولت
 دولت را با پهلوان و کتارد چون پذیرفت در ۱۰۵۹ اگر قدر مقتدر گشت
 و از طرف پهلوان سلطان منوخ شد و انگلیس و کوس و ایرلند در ۱۰۵۹
 تا ۱۰۶۳ جمهوری بود برای پهلوان و از ۱۰۶۳ تا ۱۰۶۸ برای
 الیور کرمول و بعد کیمیل هم برای رین و کرمول بود در این جمهوری
 وزیران و کوس خفت شد و وقت در بعضی مواضع بر شال هم متصل
 سلطنت تاب نموده و بعضی بعضی قویون بحجیه دولت انگلیس قرار
 داد و بدین جنگ بزرگی در کور بین انگلیس و پهلوان واقع شد و بعضی از
 جنگها چنانست بود که کشت خرد و جمهوری هم با برتال و اسپان

در

انگلیس

و فرانسه جنگ نمود و از این جزیره را مالیک را گرفت و از فرانسه شهر
 در کور را و توسط کورس بر سر جمهوری انگلستان کی زحل منظر ادو
 شد و او امپراتور انگلیس در کورس با آن قدر حجت را در انگلیس
 بوده و بعد از او پسرش است ماه ریاست کرد و چون انگلیس از وضع
 جمهوری خسته شد به پاپوش معتقد را در شال ویم موسوم بود در ۱۰۷۰
 سلطنت خود انتخاب نموده و او را در قتل نموده از او خبر و پسرش را
 کشته بودند و بعضی از قصاصات را در قتل قتل پسرش را مکرر بودند
 رسانید و ریاست نمود با وجود کورس پهلوان جزیره در سال مسیح است
 کرد برای مصارف سلطان منظر میداشت موند پهلوان کافی داشت
 شهر کورس را در کورس از دولت فرانسه گرفته بود با آنها فرزند و
 قوتن را با اخراج نمود و و ریاست کورس و پهلوان جمهوری و انگلستان ملی
 بود و موضع گشت و پهلوان علیه به خود قرار داشت و شال ویم
 و برادرش در کورس بود هر دو به پهلوان کاتولیک بودند شال ویم
 چون دختر از خانواده سلطان برتال را به عقد خود گرفته بود و کورس

انگلیس

مقرر کردید و پهلوان جنگ نمود و دولت انگلیس در آن
 زمان مطابق رأی فرانسه بود و از این سلطنت فرانسه صادر شد و کورس
 کورس و متصرف است خطه جان عوم رها را در آن حشر سلطنت کفایت
 بین سلطان و پهلوان و وقت حسمی کثیری از امر از جزیره بهتر آمدند
 در ۱۰۶۹ شال ویم وفات یافت و برادرش در کورس با هم شاک
 هم پادشاه شد چون به پهلوان کاتولیک بود و آن طایفه حرمت نمود
 بین سبب انگلیس شورش کرده در ۱۱۰۰ پسران کورس از خانواده از آنرا
 و شورش در کورس و هم بود سلطان دولت کرده و پسران کورس با ۱۵
 برادرش و از انگلستان شد و شاک ویم فرار است و کورس و کورس
 سلطنت رسید و متفرک کورس و پهلوان انگلیس برتال و دولت
 فرانسه را بر کورس شاک ویم همدا مصداق شد از دولت خود و در
 ۱۱۱۳ شاک ویم وفات کرد و فرانسه از پهلوان کورس و پهلوان
 در ۱۱۱۷ شاک ویم شورش آن و زنده در کورس بود و پهلوان در آن
 سلطنت کورس و انگلیس ملی شد و دولت یک پهلوان در کورس و پهلوان

در

انگلیس

کیر حاکم شد و در کورس و فرانسه و واقع شد قوت انگلیس سبب داری
 در کورس و پهلوان شاک ویم شورش و در ۱۱۲۵ صلی منقذ شد و بر
 متصرف آن بعضی قوت فرانسه در امریک متصرف انگلیس افتد کورس آن
 در ۱۱۲۶ وفات کرد پس از سلطنت پهلوان و دختر
 شاک ویم حرمی جرج هر کورس و از منقذ شد و سبب با پهلوان و فرانسه
 حال سلطنت میکند در ۱۱۲۶ جرج هر کورس و جرج ویم پهلوان و فرانسه
 و پهلوان جنگ داشت در ۱۱۵۱ شاک ویم و از کورس و پهلوان و دولت
 فرانسه و پهلوان شاک ویم شورش و پهلوان انگلستان شد و در جنگ
 کاتولیک و پهلوان شاک ویم و فرانسه در ۱۱۶۹ همدا پهلوان جنگ و قتل
 در ۱۱۷۳ از فرانسه شد کاتولیک و کورس و در ۱۱۷۳ کاتولیک و پهلوان
 کورس شد و فرانسه را از پهلوان خارج کرد جرج ویم ۱۱۷۳
 وفات یافت و جرج ویم پهلوان و فرانسه صلی است و در آن وقت قوت
 دولت انگلیس به ۹۴ کورس رسید و پهلوان و پهلوان این قوت
 برایت از قوت و قوت امریک متفرک این است کورس و پهلوان

در این دو باب در اول کتاب غرضت من را از روزنه آرد ۱۱۹۰ اسیر ده عدد از
توابع الکفین معتدل شد و جمودی انعقاد یافت و آن چهار تارقه
بود پس از کتب استعداده در ۱۱۹۰ است الکفین آفریده صلح کرد
و جمودی از آفتاب نمود و در هر بهرم با فرانه و دایره صلح بست
و دایره بضر توابع خود را در الکفین مستور ساخت و تارخ این کتب بخت
در است الکفین شد که قائل شد بعد از آن جنگ و دین و ستان و قشده
حیدر میوری و توم صاحب و دایره در ایراد نیز یزید کرد و چون
در ۱۲۰۰ فرانسه لویه شت نفهم داشتند جمودی با فرانه جنگ شروع
بنا به و مدلیز و پروت و دریش در اول الکفین تمدن بود و در ۱۲۱۲
تمام این حل با فرانه صلح بسته الکفین تنها به با فرانه جنگ نمود
تمام نقاط هم فتح کرد آمد او بجزیه فرانسه را از بجز میانه خارج کرد
و قوت فرانسه را از پند خیز و شرته بروت کرد و چهل تنه در
ایوانه با فرانه محلی شده بود توابع زیادی از کتب سرازب و جویب
افزایشه و مالک در از تصرف او خارج کرد در ۱۲۱۴ حل در دین

[illegible]

۱۲۶۶ خروارده گشته و انار که را سحر کرده و انار که باین سب بفرزانه شوی
 شده و روس هم با او سپهر بر کرد و هر سه دولت با کفیس تا جنگ گذارند
 دولت کفیس توابع و انار که را سحر نمود و استعد او بجهت روس رود و سکه
 سخت و فرزانه را هم پشت دارد در ۱۲۶۶ هجری
 بر فرزندین می کشد و بر سر از جانب او سلطت می کرد و بعد مدت سه
 سال با آن روز جنگ داشته در ۱۲۶۹ که بر دل اردب با کفیس می شند
 و فرزانه باز جنگ کرده اند و دولت کفیس که در آن وقت بجهت فرج جنگ
 بدول دیگر دارد تا باینکه پشت خورده در ۱۲۶۹ اردیبهستانه با کفیس
 منفعت شد جزیره ای و جزایر دیگر از آن فرزانده و در نریب و بعضی توابع
 از برون و بعضی جزایر زرد و انار که دولت کفیس تن گرفت و در فرزند
 بود و تمام جنگ فرزانده ۵۴۳۰ کرد و آن بود و در برادر در آن جنگ
 ایالت اخرونده و باین سب قتلش بر کرد و در ۱۲۶۳ هجری
 وفات کرد بعد از آنکه به حال سلطت کرده بود و بعد از او پیش فرج
 چهارم پادشاه شد و در ۱۲۶۴ در گذشت و کیم چهارم سلطت رسید

در ۱۲۲۹ از طرف دولت متصرف گریه که یکی از تجارته هندوستان در
باقی ذکر می رسد و منوط بر اینست که مفتی که یکی از باب های چهارم و دهائی
محمد و کشته و باقی عایدی است و در عرض بیست سال در بابت سرایه
سرایه پیرودن است که یکم چهارم در رجب اواخر ۱۲۵۳ وفات یافت
و و قریه دختر که کشت و بخت نیست و درایت نامور و تبار دارد
که یک سال جزو افغانستان بود بعد خطه اینکه سلطان آغا میر از طایفه داکو ریش
از دولت افغانی موضوع خبر در ک کبر بدین دولت و غور شد
در سلطنت و قریه و فقه سال بطور نهانیه دولت افغانی یک
جنگ پیش از آنکه ملوک فرانسه و عثمانی با دولت روس بوده و سلطان
محمد ناصر الدین در ۱۲۷۲ با تمام رسید و از باب توابع نادر در
خارج احداث نموده و تمام نقاط جنگی که متعلق داشته از آن خبر ۱۲۵۴
حکایت از افغانستان واقع شد و بعد از اتمام آن وزیر مختار بمشروطی افغانی
در کابل توقف کردند و تا آنکه لشکر در زمستان ۱۲۵۷ از دست افغانها
بغیر رسیدند و در یک بعد قشون بکلی آواره شد و در این عمر را نمود

تخلص
بیت ۲۳. هزار فرسنگ مربع ۱۳۰ کرور جمیت در هزاره جزایر
۲۰۰ هزار فرسنگ مربع بهشت کرور جمیت آتش و صاعقه تمام فخر و انیس
۵۸۷۶۰۰ فرسنگ مربع میوه ۳۶ کرور جمیت
تفصیل درایع هند شرقی است در تیاترین درال ۳۱۰ کرور میوه و ۵۱۲
کرور جمیت دارد و ۴ هزار فرسنگ خطه را در آید دارد و ۲۵۰۰ هزار فرسنگ
خطه ملک است و آصف نده در آید روی است بهشت در آید آید
تفصیل است و در آید خطه هند و انیس است
در شرح الطریق و مجاری

آریش
۳۷۳ یونید ارغلیغ با بن بک حکومت پیدا کرد برقطه دوازده
نمیه بود تاخلف نمودن دایم نقطه مرزبخت به آریش نیز مرز شرقی و
اصحاب او تا ۴۰۰ در آنجا سلطنت کردند و وقت آن ۳۵۰
خمس مرتب بود در ۵۵۱ دایم آریش به بک عقب شد و در آن زمان
وقت آریش ۹۸۰ فتنه مرتب رسید و چون این سده ۴۴۰
مستقر شد آریش به شخاص فتنه افکند تا دایم ۸۱۰
زود وقت از آن نوزاد ایسورک در آنکلی سلطنت داشت آن نقطه
زمین را به پیش البرت هر و کداز نمود و از آن تاریخ ملک آریش
در دست ایسورک است البرت هر در ۷۰۷ متصرف شد
و پیش فرزند یک تم که در ۷۲۰ وفات کرد و از آن وقت فتنه ۵۹
سلطنت کرد بهر از پیش زود وقت در ۷۵۹ تا ۷۶۷ سلطنت کرد
و او بانه بنیور سیطه دین بود چنانچه او در مرزات به بلادش ملک را قهر نمود
یکی موسوم به البرت تم آریش سفار متصرف شد و تا ۷۹۸ سلطنت کرد که نیز
نموده بود و آریش علیا را تصاحب نمود

پس از المبرت یق المبرت چهارم سلطنت رسید و چون او در ۸۰۲ و زکریا
المبرت پنجم بخت نمود خلع و بر آتش سوزادی و یونیم و چهار سال
در تصرف او بود و در ۸۲۲ پادشاه آتکلی در دهان در حاکم بنام
فوت تر و پیرش در ۸۶۲ فوت کرد و با فوت او سلطنت بنام
رسید و آتکلی بر تصرف سلطنت این عاقله و فرد یک پنجم
آتکلی تر و با هم فرد یک پادشاه آتکلی تر و در ۸۹۸ فوت تر و با سلطنت
پیرش و از میان آمد رسید و سلطنت او آتکلی کی در حال سقط شد
سلطان عثمان بنایند و در ۹۷۲ فوت کرد و چهار سال بر تصرف او بود
و پادشاه نمر بخت او آتکلی در ۹۲۵ فوت کرد و پیرش شامل پنجم پادشاه
او از سلطنت المنه و آتکلی استغفار کرد و برادرش فروغ نام تر تعویض نمود
و او بخت حفظ چهار سال و الله باط عثمان و جنگ بود و آخر السلطان
سلطان کیمر عام چهار سال بر تصرف او بود و در ۹۳۵ شهر دین را محاصره
نمود و برادر او خارج رسید و مصرین را محرق نمود و سبب از آن هم جنگ بود
و افسه نام در ۹۷۰ صلح بست و خاک زوایای تصرف عثمانی که فروغ

در در ۹۸۱ قمر وکالت بن سید حسن قاسم کردید یکی از کتبا، که از عیال
هم آریش و بهم و همایون را تصرف نمود و بمقر اخذ غایب و شال ضبط نمودند
تسلیم عیالان وقت ندهد، که عیالان هم بمجدد باخته عیالت و دستگیر
در نهایت دینیت بود و معلوم صنایع ترتیبی در واقع شد و در سبب پرتوان
هم ترتیب نمود و در ۹۸۳ قمر ثمر و پیش رو دولت هم بهر اطراد الکافی و پاینده
جبریات و لوهم کردید بکودانش با دوا مضاعف نمود و یکی از آنها را مایه
در ۱۰۱۲ در مجربان و اطربین و در اندر سلطنت پیدا کرد و همچو ۲۰۰ از لونه
هم وفات کرد مایه سبب اهر اطراد الکافی ثمر در ۱۰۲۷ الی ۱۰۳۱ بهم خبر نهند
و مفسد شریع جلب سر آمد کردید و در سال بعد که عمره و قنایه ویر و در
حاکم آریش نهند مایه سبب قمر ثمر و قمر غایب هم بهر اطراد ثمر و او هم
در ۱۰۴۱ وفات کرد و قمر غایب هم بهر اطراد شد و سلطنت او هم
سر آمد، بهتاریه و دینیت آریش بغیرانه تلقی گرفت قبول از پدرش قمر ثمر
هم در ۱۰۵۲ بر تخت نشست و او با دست عثایه حکم نمود و در ۱۰۹۴
درست هزار نفر قتل عثایه بهر داری قتل مصطفی شهر دین و او هم بهر مفسد

۶۰۰ کردگان است و نیز گردش بجهت مصارف خانگی سلطان است
 و حق دولت ۳۶۰۰ کردگان قوت و دولت این ۳۰۰
 هزار نفر و در جنگ سرکرد است و ادب و تجربه ۱۲ هزار نفر و پیش
 و کسب و فراز و بنی ۱۰ هزار نفر و خبر و ۴ هزار نفر و غایت شتاب
 اب کوفه ملک و غایت ملک و غایت ملک و غایت ملک
 طغر خط راه این ۳۱۳۰ فرسنگ و غایت ملک و غایت ملک
 است و ادب و تجربه بجهت قیادت ۱۲۳ هزار نفر و غایت ملک
 با تحت آرایش وین است و در کرد و نیم حبسیت و در غایت ملک و غایت ملک
 و ۴۲ هزار نفر و احد نقد و غایت ملک است و غایت ملک و غایت ملک
 و کاف و غایت ملک و غایت ملک و غایت ملک و غایت ملک

VVVV
VVV
V

This very simple book on history of
Europe Translated by the most humble
servant, Elphinstone at the year 1806

وضع می نماید
فرمان آید روزی هجرت است در ۲۹ صفر ۱۲۴۴ مکه شده و در مکه
از خانه با ویرات و کعبه و در وقت است و خمر پاشا و جلای را
بعده خود در آورده آتش و مجاری را بر کمانه علیه در و در
وزیر مخصوص و در دست کی سلطان و قوتی است و وزیر
امور خارج و در مکه است امور کلیه در مکه در دست وزیر
یکی وزیر امور خارج و در مکه است و در مکه در دست وزیر
جداگانه و در مکه است و در مکه در دست وزیر
در دست تمام مکه است ۱۶ هزار فرسنگ مربع است و در مکه در دست
مستقیم است ۱۰۰۰۰ فرسنگ مربع است و در مکه در دست
۱۴۰۰۰ فرسنگ مربع است و در مکه در دست
در مکه در دست است ۱۵۰۰ فرسنگ مربع است و در مکه در دست
در مکه در دست است ۱۵۰۰ فرسنگ مربع است و در مکه در دست
در مکه در دست است ۱۵۰۰ فرسنگ مربع است و در مکه در دست
در مکه در دست است ۱۵۰۰ فرسنگ مربع است و در مکه در دست





